



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۴۹۲  
پنجمین ۲۰ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با  
۳ صفر ۱۴۰۱ ، به ۱۵ ریال

# انقلاب ایران در آستانه یک تعمیق کیفی است

## بدون تحکیم خصلت‌های ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و ضد استثماری (خلقی) انقلاب، حرکت به پیش محال است

### امام خمینی، هیئتی را مامور بررسی شایعه شکنجه در زندانها کرد

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیش از ظهر مستحبیه آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور را مأمور پذیرفتند و وی را مامور تشکیل هیئت بررسی زندانهای ایران کردند. در این ملاقات تاکید کردند که:

## خواستهای مردم مهاباد باید مورد توجه فوری و جدی قرار گیرد

خبرنگار نامه مردم به مهاباد خبر میدهد: روز جمعه ۲ آذرماه ۵۹ در مسجد جامع شهر مهاباد، گرد همائی تاریخی با حضور آکثر اهالی شهر بمنظور تأیید قطعنامه شورای مساجد شهر برگزار گردید. مسجد جامع مهاباد، که بزرگترین مسجد و یکی از بناهای تاریخی این شهر است، در این روز سلسله از مردم بود. خیابان مسجد، پامپا و کوچه‌های اطراف آن انباشته از انبوه مردمی بود که برای تجدید پیمان در پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برهبری امام خمینی، گرد هم آمده بودند. در این گرد همائی، پیش از آنکه قطعنامه قرائت شود، تنی چند از اعضای شورای اجرائی، منتخب شورای مساجد مهاباد و درختانه آقای کلاتری یکی از مسئولان سپاه پاسداران مهاباد سخنانی ایراد کردند. مردم با ندای «الله اکبر» هیئتی برهبری امیر مگر مهاباد برپا کردند. سخنان آقایان امیر مگر و کلاتری را با تشویق و تالیف در دست گردانیدند.

### قطعنامه گرد همائی مردم مهاباد

بسم الله الرحمن الرحیم  
واتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا  
بمنظور اینکه زندگی مردم مهاباد و حومه پیش از این دستخوش بر خوردهای سلطانه و پشتیبانان مرگبار ناتی از آن واقع نگردد، اکنون که به دعوت شورای مساجد امروز (روز جمعه ۲ آذرماه ۵۹) ما مردم مهاباد در مسجد جامع جمع شدیم، قطعنامه زیر را به تصویب رسانیم:

- ۱- در شرایط کنونی، که مبین غریزما ایران مورد تهاجم و حتیانه و فرمایشی حکومت فقیستی عراق قرار گرفته است، وضع داخلی کشور باید فوری فوری اقدامات مسلحانه خصمانه داخلی باشد. لذا ما مردم مسلمان مهاباد ضمن تجدید پیمان خود با رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی، هرگونه بر خوردهای سلطانه را قطعنامه محکوم میکنیم.
- ۲- ما مردم مسلمان مهاباد اعتقاد داریم که در حکومت اسلامی، مردم کردستان از اسارت اقتصادی، سیاسی، اداری و فرهنگی رهائی بخیرند یافت و حق اداره داخلی را بدست خواهند آورد.
- ۳- باتوجه به کمبود ذخایر مواد غذایی و سوختی و تعطیل کلیه امور تولیدی و رفاهی در منطقه‌ای کمناشی زیر خوردهای سلطانه است، از عموم افراد مسلح موجود در منطقه مهاباد قطعنامه تقاضا داریم، بیای بر خورده سلطانه، همه باهمه یاور تولیدی و ساختن مسجد و مدارس و مسکن برای اهالی منطقه بپردازیم.

یکی از اعضای هیئت اجرائی از جمله گفت: ما مردم مهاباد نباید گول عوامل فریب‌های افراطی را بخوریم که با مصلحت از خلق کرده، شهر ما را مرکز برای اجراء مقاصد و اهداف خود نموده بودند. کسانی، از جمله آکثر جوانانی غیرومی از سایر شهرها با تکیه آمده و با پوشیدن لباس کرفی و ملبس دلق‌ها خلق کرده هر کدام برای خود دکالی دست

### «این طرح‌های گروه‌های چپ‌نما بود و من همان موقع نیز گفتم که اینها سول است و ۲۶ مانده، اگر دولت ۴۸ مانده هم بدهد، قبول ندارند و آنها هدفهای دیگری در سر می‌روزانند.»

«این طرح‌های گروه‌های چپ‌نما بود و من همان موقع نیز گفتم که اینها سول است و ۲۶ مانده، اگر دولت ۴۸ مانده هم بدهد، قبول ندارند و آنها هدفهای دیگری در سر می‌روزانند.»

«این طرح‌های گروه‌های چپ‌نما بود و من همان موقع نیز گفتم که اینها سول است و ۲۶ مانده، اگر دولت ۴۸ مانده هم بدهد، قبول ندارند و آنها هدفهای دیگری در سر می‌روزانند.»

### آیت‌الله دکتر بهشتی: ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

آیت‌الله دکتر بهشتی: ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

### اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام میکند

اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام میکند

## در ادامه نبرد با متجاوزین صدامی نیروهای انقلاب متجاوزین را در جنبه‌های گیلانغرب و تنگ حاجیان به عقب راندند

روزنامه‌نگاران نیروی دریائی طی عملیاتی چشمگیر، ضربات مسلکی بر متجاوزین وارد آوردند.

نیروهای متجاوز صدامی در تمام جنبه‌ها زیر ضربات سنگین مدافعان انقلاب قرار گرفته‌اند. بنا به گزارش خبرنگاران ازامی دفتر مرکزی خبر به جبهه جنگ در غرب کشور:

روز سهشنبه نبرد در جبهه‌های گیلانغرب و تنگ حاجیان با توپخانه و سلاحهای سنگین همچنان ادامه داشت و نیروهای انقلاب با هماهنگی کامل و حملات پرمایه دشمن را به نبرد و عقب راندند و به آتش توپخانه و دیگر سلاحهای سنگین، تعداد زیادی از کانیونهای سنگین و حامل مهمات و نفرین را منهدم و تعداد دیگری را از کار انداختند و ۲ تانک دشمن را نابود کردند.

بنا به گزارش دیگری از خبرنگار دفتر مرکزی خبر از کرمانشاه:

در یک شیخون و عملیات شجاعانه توسط عمدهای از بسیج ضایری ماهر دست، یا همکاری افراد نیروی مخصوص، چند خودروی حامل مهمات دشمن مزور در خاک عراق منهدم و سرشتیان آن به ملاکت آرسینند. بنا به گزارش خبرنگار گیلانغرب از کرمانشاه: روز گذشته (دوشنبه) نبرد در جبهه‌های سرپل ذهاب، ضربات سنگین، شورشیان و سپاه بصورت پراکنده ادامه داشته است.

سازای خیری سپاه پاسداران غرب کشور به خبرنگاری پارس گزارش داد:

### بمناسبت سالگرد قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴

## از تجارب گرانبهای «نهضت ۲۱ آذر» پیاموریم

### توطئه جدید ضد انقلاب علیه حزب توده ایران

## ضدانقلاب بنام حزب توده ایران اعلامیه پخش میکند

بر اساس اخبار رسیده، ضدانقلاب دست به توطئه جدیدی علیه حزب توده ایران زده است. عناصر ضد انقلابی در نقاط مختلف شهر اعلامیه‌های علیه دولت و نهادها و ارگانهای انقلابی پخش میکنند. پاسداران پخش کنندگان این اعلامیه‌ها را دستگیر میکنند. آنها میگویند: حزب توده ایران این اعلامیه‌ها را داده پخش کنیم.

تاکنون کسانی که در بین نازی‌آباد و خزانه فرج‌آباد اعلامیه ضد دولتی پخش میکردند و توسط پاسداران دستگیر شده‌اند، به شیوه بالا رفتار کرده‌اند.

ما ضمن انشای این توطئه ضدانقلاب، برای چندمین بار متذکر بشویم که اعلامیه‌ها، اسناد و نظریات حزب توده ایران درباره تمام مسائل کشور و تمام نهادها و ارگانهای انقلابی در نامه مردم از ارکان مرکزی حزب توده ایران انتشار می‌یابد و لذا هرگونه نظریه‌ای که برخلاف منشور و اصول و انقلابی حزب توده ایران، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط سدامیریالیستی و خلقی امام خمینی است پخش شود و هر اعلامیه‌ای در سندی از جانب حزب ما که در نامه مردم منتشر شده باشد، هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد و نمیتواند داشته باشد.

روشن است که هدف ضدانقلاب از توسل به چنین شیوه‌ها، پروپاگاندای علیه حزب توده ایران و انتقال افکشی بین نیروهای انقلابی است. لذا ما به مقامات مسئول و همه نیروهای انقلابی در این زمینه هشدار میدهیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۳۵۸۸۱۹

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بمناسبت سالگرد قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴

از تجارب گرانبهای «نهضت ۲۱ آذر» پیاموزیم

تاریخ درخشان و افتخاراتگین مبارزات رهاییبخش ملی ضد امپریالیستی مردم ایران روزگاری آغاز شد که رژیم سرمایه‌داری در مقیاس جهانی به آخرین مرحله گسترش خود، یعنی سرمایه‌داری انحصاری قدم میگذاشت. ایران یکی از هدفهای مپسیاست استعماری امپریالیسم جهانی بود. اما هر قدر سلطه خانان برانداز امپریالیسم در کشور ما توسعه میافتد، مقاومت و مبارزه مردم زحمتکش، آزادخواه و مبین‌دوست نیز سرسخت‌تر و ریشه‌دارتر می‌شد. از همان اوان، محافل حاکمه رژیم طاغوتی شاهنشاهی بر حسب سرفه آنجانب خود، دوبروی خلق ایستادند و اجرای سیاست استعماری امپریالیسم را در کشور پیموده گرفتند. لذا جنبش ضدامپریالیستی مردم ایران نیز در همین حال مبارزهای علیه رژیم مغزور خود کاملاً مسلط بود. مبارزه دیگر، مبارزه در راه استقلال و حق‌حاکمیت ملی، در همین سال مبارزه در راه آزادی و حقوق دمکراتیک، رفاه و ترقی بود. این مبارزه تاریخی مرگ و زندگی، از «قیام تبارک» (۱۳۲۰)، انقلاب شروطیت (۱۳۲۸ - ۱۳۲۸) انقلابات گیلان، آذربایجان و خراسان (۱۳۰۰ - ۱۳۲۹) گرفته، تا نهضت ۲۱ آذر ۱۳۲۴ در آذربایجان، قزاق و تنبهای بزرگ و کوچک داشته است. اما همه این اوج‌های چشمگیر، حلقه‌های مهم و درخشان از زنجیر واحد پیوسته تاریخ پرافتخار جنبش‌های رهاییبخش ضدامپریالیستی مردم زحمتکش و رزمنده ایران است.

میلاد و هجوم، بویژه علیه جنبش کارگری ایران، از اواسط سال ۱۳۲۴ توسعه یافت. حملات بی در پی علیه حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی دامنه گسترده‌تری داشت. کلوب‌ها، کتابخانه‌ها، باشگاهها و دیگر اماکن حزب توده ایران و شوروی متحد مرکزی در تهران، اصفهان، مازندران، آبادان و دیگر شهرها مورد تخریب و چارول آواشان تحریک شده قرار میگرفت. یک کلاب، امپریالیستی آمریکا و انگلیس با همه نیرو بی‌دانه آمده بودند، تا بوسیله اعمال خود نیروهای مترقی و جنبش مردمی را درهم‌شکنند و رژیم خودکامه طاغوتی را، که ابزار مهم سلطه آنها بر دشمن حیاتی کشور بود، استوار سازند. استقلال کشور، حق‌حاکمیت ملی و آزادی و حقوق دمکراتیک مردم در معرض تهدید جدی قرار گرفته بود. نیروهای پیشرو جامعه نیز استبداد این خط‌میانند. مردم آذربایجان در صفوف اول این مبارزه مقدس باخاستند.

بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ تصمیم راسخ نیروهای پیشروی خلق را برای تشکیل سازمان سیاسی خود اعلام کرد. زودستی کوش از یکسایه، در همه شهرها، قصبه‌ها و دهات آذربایجان انتخابات آزادی، که تا آنروز در تاریخ ایران سابقه نداشت، برگزار شد. ۱۰ مهرماه ۱۳۲۴ نخستین گنگره فرقه دمکرات آذربایجان در ۳ روز در سخرانی یافت. گنگره پس از ۳ روز مذاکرات مفصل و سازنده، مرامنامه و اساسنامه فرقه دمکرات آذربایجان را تصویب کرد. کمیته مرکزی مرکب از ۴۱ نفر انتخاب و سید جعفر پیشروی به‌صورت برگزیده شد.

در سخرانی که پیشروی ۳ روز بعد از انتشار بیانیه، در تالار ثناتی آذربایجان در تبریز ایراد کرد، حسن ترسیم نقشه ایران با انگشتانش در قضا، گفت:

«خواستها و گنگه‌های ما همه در داخل این گنگه است و هر چه میخواهیم در داخل ایران میخواهیم.»

اما آن عوامل امپریالیسم و مدافعین سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان استعمارگر و مستکبر، که خود استقلال کشور، حق حاکمیت ملی و آزادی و حقوق دمکراتیک را در طبق اخلاص به استعمارگران غارتگر فروخته بودند و از دوران انقلاب شروطیت ایران، مبین‌دستان شور و آزادیخواه آذربایجان بسرگردی سترخانان با «دخایات»، «وطن‌فروشی» و «عجز و طبل» متهم میکردند، باز با همان حربهای کهنه بیتان و افترا بیان آمده، تا بین نیروهای مبارز فرقه‌اندازند و نیت شوم خود را پیاده کنند. در صورتیکه مردم آذربایجان چیزی جز استقلال و آزادی ایران، اجرای دقیق قانون اساسی، از جمله تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، رعایت آزادی و حقوق دمکراتیک مردم زحمتکش کشور چیز دیگری نمی‌خواستند. آذربایجانی میخواست از ابتدائی‌ترین حق مسلم یک انسان، که تکلم و تحصیل زبان مادری است، محرومند باشد. آذربایجانی میخواست از ترحم‌های ایران، که بر سر زمین خود، که روی آن رنج سیرد و زحمت میکشید، به‌بهرامدیگر مردم زحمتکش ایران و برابر با آنان استفاده برد. آذربایجانی میخواست مورد تحقیر و توهم نامورین رژیم طاغوتی شاهنشاهی، از زندان گرفته تا استناد واقع نبود.

ما به خوانندگان خود مطالعه مقاله‌ای را که تحت عنوان «لغو‌های از رفتار ژاندارها با مردم آذربایجان» در روزنامه دانه مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۲۵، نوشته شده، جلب میکنیم. دانه از جمله می‌نویسد: «در قریه‌های نزدیک مراغه یک نفر ژاندارم حکومت نظامی اعلام کرده، شب ازدواج عروس را مریابد و با او عمل شنیع انجام داده سپس ۹۵ نفر ژاندارم را مأمور میکند با آن زن طرف شوقه!» همین توصیف می‌کند که کتابچه جداگانه‌ای را که بنام «عینی حقیقی» می‌کشد، به‌عنوان نیتوان او را به «آزادیخواه» هواداری از فرقه دمکرات آذربایجان و نبش و مردم آن‌سامان مطنون دانسته، نوشته شده مطالعه کنند، تا لاقط یا یک پرده موجود از هزاران پرده از نزدیک آشنا شوند.

اما نخست‌وزیر سبکار رژیم فاسد پهلوی در جلسه رسمی مجلس، در جواب تکلرات شکایت و خواست مردم آذربایجان، شانه‌هایش را بالا انداخته می‌گفت: «ها از این تکلراتی زیاد دیده‌ام. مردم آذربایجان تصمیم به دعوت گنگره ملی خود گرفتند. طبق اسناد موجود، بیش از ۲۵ میلیون نفر رای دادند. انتخابات آزاد در عرض ۵ روز در همه نقاط آذربایجان صورت گرفت. گنگره ملی، که در آن ۲۰۰ نفر برگزیدگان مردم از تمام نقاط آذربایجان شرکت کردند، در عرض یک هفته تشکیل داده شد. ۲۱ آذرماه، نمایندگان نظامی رژیم طاغوت در تبریز و دیگر نقاط، در مقابل عزم راسخ مردم چارهای جز تسلیم ندیدند. قیام قهرمانانه مردم آذربایجان در راه استقلال، آزادی، حق‌حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران پیروز شد. حکومت ملی آذربایجان در مدت بسیار کوتاه، اصلاحات زیادی در همه رشته‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آذربایجان انجام داد، که مورد اعتراف

دوست و دشمن بود در رشته کشاورزی و مناسبات آرباب - رعیت اصلاحات ریشه‌داری آغاز شد. اراضی خالصه (متعلق به دولت) و املاک قودالها و بزرگ‌مالکان وابسته به امپریالیسم، که به‌نفسه‌تو مردم خیانت کرده بودند، بلاعوض بین روستائیان (حدود یک میلیون خانوار) تقسیم شد. برای کمک به روستائیان تمبست، که ابزار کار، بذر، آب و دیگر لوازم ضروری جهت احیای کشاورزی را در اختیار نداشتند، بانک فلاحه تاسیس شد و در کشت‌اشین‌های آبیاری ایجاد گردید. تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان مردم به فعالیت گسترده‌ای در رشته آبادی و عمران دهات و شهرها دست زدند. اقدامات جدی علیه بیکاری معمول داشته شد. کارخانجات قدیمی احیاء گردید. توسعه داده شد و کارخانجات و موسسات صنعتی تازه‌ای احداث گردید. محض نمونه میتوان گفت که تنها یک کارخانه جدید به‌وجود آمد. و کتی‌هایی، که مبلغ یکمیلیون و چهارصد هزار تومان برای حکومت ملی آذربایجان تمام شده بود، بی‌نی از پاسدفن دختر و زن جوان کارگر را از لطف کاره و کلیه نیازمندیهای کارگران، از حمام، رستوران، باشگاه گرفته، تا زایشگاه زنان و اطاق‌بچه‌های شیرخوار و اطفال کارگران، حتی اطاق اسباب‌بازی آنها (سبب تمجب هیش شده بود که قوام‌السلطنه به آذربایجان اعزام کرده بود) تامین میکرد. کارخانه‌ها تحت نظارت مستقیم کارگران یا میرمدی زیادتر کار میکرد.

اقداماتی که حکومت ملی برای رفع نیازمندیهای مالی آذربایجان بعمل آورد (دولت مرکزی همه اعتبارات آذربایجان را صادر و در ۱۶ میلیون تومان پول مردم را از بانکهای آذربایجان خارج کرده بود) «انتخاب سهام خزان» آذربایجان را بحدی زیاد کرد که هر مردی (روزانه ۲۰۰۰۰ تومان) به خرید و فروش میشد (روزنامه دانه، ۲ مرداد ۱۳۲۵). شبکه بهداشت عمومی برپا شد. در رشته فرهنگ، اعلامیه‌های زبان آذربایجانی امکانات وسیعی برای پیشرفت ایجاد کرد. تاسیس دانشگاه توسعه مطبوعات، فعالیت رادیو و احداث چاپخانه «منازه»، «منازه» آذربایجان، تشکیل «اداره هنرهای زیبا»، «داتق دولتی»، «دارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان»، «جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان» و غیره به رشد فرهنگ خلق، آموزش و پرورش نوپارگان و جوانان، مبارزه با بیسوادی و تیره کمک شایان میکرد. حتی دولت خیانت‌پیشه قوام در صوبه‌نامه ۲۷ ماده‌ای مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ مترق بود که «اصلاحات آسماان جلب نظر نموده است» و در لایحه ۱۶ ماده‌ای پیشنهادی به هیئت نمایندگان آذربایجان (مورخ ۲۹ اردیبهشت ۲۴) «نهضت دمکراتیک (را)» که در این اواخر در آذربایجان به‌منظور استحکام اصول دمکراسی و آزادی در تمام کشور ایران بعمل آمده، بر رسمیت شناخت.

اما رژیم طاغوتی شاهنشاهی بمستور آربابان امریکائی خود، که از پیشرفت خلق سخت بهراس افتاده بودند، نیروهای خود را برای سرکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان متمرکز میکردند. تا بالاخره موافقتنامه ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ را زیر پا گذاشتند و به بهانه اجرای انتخابات به آذربایجان توتون کشیدند و فجایعی بی‌ار آوردند که حتی اینفلوگهای امریکائی را هم به حیرت انداخت.

جنبش رهاییبخش ملی شکست ناپذیر است

لیکن جنبش رهاییبخش ملی، ضدامپریالیستی و دمکراتیک پدیدماید بود که بتوان آبرو ریشه‌کن کرد. هنوز هه سال از وحشیگریها، کشتارها، تمبیدها و تفرقه‌های رژیم طاغوت علیه خلق آذربایجان نگذشته بود که در سراسر ایران جنبش ضدامپریالیستی و مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت اوج تازه‌ای گرفت. سرکوب بیرحمانه این جنبش در ۲۸ مرداد ۱۳۲۷ م. که با دخالت نقشه ستسیم امپریالیسم امریکا و انگلیس و بدست نفاقانگانی چون مطبق بقایای پیاده شده، نتوانست جنبش سمساله توده‌های زحمتکش مردم را براندازد. موج غمی که با تمبید رهبر بزرگ مردم مستضعف ایران امام خمینی آغاز شد، در نتیجه پیگیری و تطمیت و قدا کاری و قربانی خلق و دیگر قوای قلمیت رهبر انقلاب، و استفاده درست از تجربیات گذشته این تاریخ پرافتخار، بالاخره به چنان پیروزی شکوهمندی رسید که رژیم فاسد ۲۵۰۰۰ ساله شاهنشاهی را برانداخت و اینک قدم بقدم، با زمی راسخ، هتباری شایان و قهرمانیهای کم‌ظیر در مبارزه علیه امپریالیسم بسرگردی امریکا، در راه استقلال، آزادی، ترقی و رفاه همگانی پیش می‌رود.

فدای وحدت، که رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، با تمام نیرو سر داده است، صبار و شیره همه تجربیات ارزنده تاریخ یکمسماله جنبش رهاییبخش ضدامپریالیستی، ضداستعماری و ضداستعماری است، که مردم زحمتکش، مبارز و ایثارگر ایران پیش برده و به پیروزی رساندند. بدام تفرقه‌اندازان و نفاقانگانی و نیتیم و مبارزه را تا پیروزی قلمی و نهانی زیر رهبری امام خمینی پیش ببریم. جاویدان‌یاد خاطره درخشان شهیدای قهرمان نهضت ۲۱ آذر، که امروز نیز الهی‌بخش هزاران شیرمد و شیرزن دلیر و قهرمان در جنگ علیه رژیم مزدورصدام بر ضد علیه امپریالیسم امریکا است!

سازمان حزب توده ایران در روز دوسر توطئه‌های تفرقه افکنان را محکوم کرد

سازمان حزب توده ایران در شهرستان دوسر با انتشار اعلامیه‌ای به تمام نیروهای صادق انقلاب، این شهرستان دوسر توطئه‌های رنگارنگ ضد انقلاب در جهت ایجاد تفرقه بین نیروهای انقلابی هشدار داد. در این اعلامیه که به‌تازگی حمله عناصر شکوک و ناآگاه به کلبه‌های کهنه‌آباد و تحقیر آن در روز هشورا انتشار یافته، ضمن طرح این مسئله که انقلاب ایران یکی از بزرگترین عبرت‌خود را بر دیگر غارتگران بین‌المللی، بخصوص امپریالیسم امریکا و وابستگان داخلی‌اش وارد آورده، اسمااست: زمانی که ملت قهرمان ایران دلیرانه در برابر تجاوز امریکا و حکومت پستی عراق می‌رزد و امام خمینی رهبر انقلاب فرزند مرزها و خط‌ها کتار کتاریه متسفاه مرتب عمادی عناصر شکوک و ناآگاه، با تمام قوا می‌کوشند با حمله به نیروهای انقلابی و تحریک مسیر اصلی مبارزه را، که همان مبارزه با امریکا و رژیم صدام چابک‌انگ است، منحرف سازند. ما از تمام نیروهای ولتار و انقلاب و خط امام خمینی می‌طلبیم که از هرگونه درگیری و توطئه با عمل انقلابی خود جلو گیری کنند و توجه داشته باشند که هرگونه درگیری و اختلاف داخلی بسود ضدانقلاب است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

Table with 2 columns: Name and Amount. Lists names of individuals and their contributions to the Tudeh Party.

علاقندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی شماره قلمی که پیش‌تر در شماره ۱۳۲۲ شنبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه‌ها)، خیابان شهید دکتر حسین فلسفی بپردازند.

خواستهای مردم...

قیه از منظره ۱ نظام و برادری که پدیدار گشته است، خرسندیم. این جو سالم برادری راه که مردم‌مپااد و پانداران انقلاب با هم مرتبند، دردهارا بنیم می‌کند و پیوسته با هم می‌جویند. باید با تمام وجود حفظ کرد و بسط داد. مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اگر از روی ناآگاهی باشد، گمراهی خطرناکی است. اگر از روی آگاهی باشد، خیانت ضدانقلابی است. انکار حقایق خواستهای مشروع خلق کرد (در حدود امکانات موجود) نیز اگر از روی ناآگاهی باشد، گمراهی خطرناکی است. اگر از روی آگاهی باشد، چشم‌زدن به ریشه اعتبار

بر پایه‌ای، چه چیز دیگری می‌توانست یک جنبش فاجعه‌ای بیار بیاورد؟ ما خرسندیم که واقعت‌های زندگی، برادران را بیدار کند و در کنار هم نشاندند و به‌هم‌راستی مسئله‌ای که ضدانقلاب در گردنشان برای حکومت انقلاب بوجود آورده، واداشته است، آری، زندگی بزرگترین آموزگار است. بنظر ما، راه‌گشای خروج از بن‌بست گردنشان همانست که در گردهمایی و قلنامه مذکور در فوق به آن اشاره شده است: اولاً باید دانست که حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تحکیم و اتحاد همه نیروهای انقلابی بزرگترین وظیفه همه نیروهای وادعا انقلابی، همه جنبش‌های امیل

ایران و همه خلقهای این کشور است. همه خواستها و مسائل و مطالب دیگر را چه اجتماعی و چه ملی، چه سیاسی و چه اقتصادی و غیره باید در کابیت این مسئله عمله تاریخ کشورمان قرار داد. تامل و لذا باید طرح مسئله کردستان را از حالت (التراوی) ضدانقلابی مقابله و خصوصاً با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به‌موضوع انقلابی‌انگانه همبستگی و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انتقال داد. و یک جنبش‌کار، هم به دانائی ملی و هم به نیت شجاعت اخلاقی، هم به نیت روشن و هم به قدا کاری و از خودگذشتگی نیاز دارد. آنچه در گردهمایی نامردمو قلنامه آن گفته شده، حازری مستگیری در این جهت درست

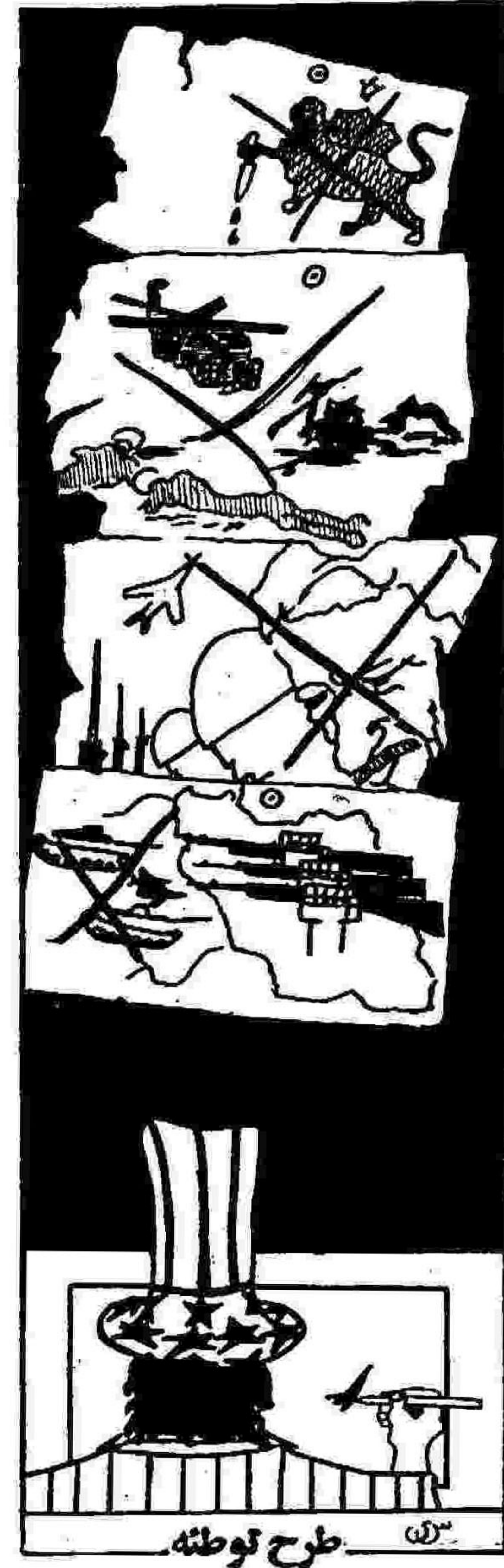
# انقلاب ایران در آستانه یک تعمیق کیفی است

تجیه که اکنون در درون روند انقلاب ایران می‌گذرد، از دیدگاه تحلیل حزب ما، از همان اوان پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب (۱۳۵۷)، پدید آمده است. حزب ما می‌دانست و به صراحت می‌گفت که نیروهای وارد در انقلاب همگونی و هم‌هدف نیستند و دو خط مشی خلقی و لیبرال، که در مرحله براندازی استبداد شاهنشاهی با هم، علی‌رغم اختلاف‌های جدی و آشکار، به نحوی همکاری کرده‌اند، بدون تردید در سیر آتی انقلاب، در مسائل نوسازی جامعه ایران، به علت

منشاء فکری و طبقاتی جدا از هم، بایکدیگر وارد تصادم جدی خواهند شد. حزب ما در تحلیل‌های خود صریحا گفت که این روند "که بر که چیره خواهد شد؟"، یک روند قانونی در همه انقلاب‌هاست. همه انقلاب‌ها تا دورانی دچار "دوقدرتی" هستند. یکی از آن دو، جناح محافظه‌کار انقلاب، به نخستین نتایج سیاسی حاصله از انقلاب راضی است و نمی‌خواهد قدمی فراتر گذارد. قدرت دیگر، جناح رادیکال، تحول سیاسی را کافی نمی‌داند و خواستار تحولات ژرف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است، تا نظامی از جهت کیفی نو، در کشور پدید آورد.

این قانون اجتماعی انقلاب‌ها در کشور ما حتی به شکل "کلاسیک" و نوع‌نوار بروز کرده است. جناح لیبرال‌ها به نمایندگی بورژوازی و دیگر قشرهای مرفه جامعه از سوئی، و جناح خلقی به رهبری امام خمینی به نمایندگی محرومان جامعه، یعنی همان خلق مستضعف (که اکثریت مطلق جامعه را در برمی‌گیرد) از سوی دیگر. تاریخ پس از انقلاب، تاریخ نبرد این دو نیرو است و سرنوشت آتی انقلاب بسته است به این که کدام یکی از دو نیرو غالب خواهد آمد. پس از فرو ریختن سباط استبداد سلطنتی، امپریالیسم نیز در میان این دو جناح انتخاب خود را کرده است. البته امپریالیسم حتی از جناح لیبرال در دست خوشی نمی‌آید و تمایل واقعی به چاکرانی تحت فرمان خود - مانند اشرف‌ها، بختیارها، اویسی‌ها است. حتی در میان این چاکران تحت فرمان، امپریالیسم آمریکا احیا رژیم استبدادی - نظامی پهلوی‌ها و اویسی‌ها را بر نوع "بازی با آزادی" ترجیح می‌دهد، زیرا مطلب بر سر غارت ایران و تصرف بازار آن و تبدیل آن به پایگاه نظامی است، و این کار را رژیم‌هایی که ابتدا ریشه‌های در داخل جامعه نداشته و تماما "نشای پنتاگون و سیا باشد، البته بهتر انجام می‌دهد. سوهارتو، پینوشه، سادات، ضیاالحق، خالد، ملک حسین، ملک حسن و از این نوع سگان زنجیری بیشتر مطلوب امپریالیسم است. ولی وقتی نتواند به حد اکثر برسد، چه کند؟

سوقتی نتواند، توقعش را برای دوران مبنی پائین می‌آورد. رهبری لیبرال‌ها، که خواستار راه رشد سرمایه‌داری و همکاری اقتصادی و نظامی و سیاسی با غرب و برپا داشتن نظام‌های اداری-قضایی به سبک باختر هستند، البته برایش از رهبری امام خمینی، که خواستار استقرار روش ضد استعماری و قسط اجتماعی و تحول خلقی - اسلامی، همه نهادهاست، به مراتب بهتر است. قبل از این نکته را متذکر شویم که ما به یزندیکی - نامه فردی لیبرال‌ها کاری نداریم - ما با لیبرال‌ها به عنوان یک جناح سیاسی کار داریم که دارای ماهیت طبقاتی و اجتماعی مبنی هستند. ما با این ماهیت طبقاتی و اجتماعی کار داریم. اما به عنوان جناح، لیبرال‌ها دارای یک پایگاه طبقاتی و یک توده ایدئولوژیک هستند: (۱) پایگاه طبقاتی آنها، سرمایه‌داری است. بخشی از سرمایه‌داری وابسته به همراه رژیم سرنگون شده، از صحنه خارج شده است، ولی سرمایه‌داری بزرگ، حتی پس از انقلاب، از مجاری مختلف، خود را گاه فریتر از پیش ساخته است. بخشی از بازارهای تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز، قم، گرگان، رشت و غیره تکیه‌گاه این سرمایه‌داری بزرگ دلال است. اقدامات دولت انقلاب در ملی کردن موسسات خلقی، بانکها، بیمه‌ها، جلوگیری از صرافی‌ها، تدارک برای ملی کردن بازرگانی خارجی، این قشر نیرومند و ثروتمند سرمایه‌داری بازار را سخت نگران می‌سازد. در گذشته دین اسلام برای آنها تنها اجراء برخی مراسم عبادی بود، نه "قسط" و عمل صالح اجتماعی. غارت، احتکار، گران‌فروشی، قاچاق ارز، بست و بند با شرکت‌های خارجی، رباخواری و انواع شتایع دیگر در نزد این "حاجی‌آقا" های به اصطلاح دین‌دار، امور به کلی مجاز و مشروع شمرده می‌شد، و سپس می‌شد با پرداخت سهم امام و خمس و زکات تمام پلیدی‌ها را شست. این "دین‌داران" میلیاردی و میلیونی، "روحانیت" وابسته و خادم "روشنفکران" وابسته و خادم خود را هم بوجود آورده‌اند، که در میان آنها از جمله نام رهبران حزب "خلق مسلمان" و "نهضت آزادی" و "جبهه ملی" دیده می‌شود. بین این قشر سرمایه‌داری و بقایای بزرگ مالکان و خان‌های عشایر نیز پیوند دوستی و الفت و همکاری سیاسی - اجتماعی برقرار است. از هم حمایت می‌کنند. تهمانده ضد انقلاب کلاسیک، یعنی سرمایه



طرح توطئه

روایع مظلله با

فشار نظامی آمریکا

تمام خلق

باید نظر نظامی

معمور شود

داران وابسته، بزرگ مالکان، افراد عالی‌رتبه رژیم سابق اعم از کثوری و لشکری، ساواکی‌ها، عمال مستقیم سرویس‌های جاسوسی امپریالیستی و کلیه دیگر قشرهایی که از انقلاب زبان دیده‌اند، اینک چشم امید را به این طغنه اجتماعی دوخته‌اند و بسیار امیدوارند که بتوانند جلوی سیل خروشنده انقلاب را از این راه بگیرند. این آخرین امید آنها در چارچوب درون اجتماع است، بویژه که روزبه‌روز از "معجزه" ارباب خارجی نومیدتر می‌شوند.

اما توده ایدئولوژیک آنها در سه نکته اساسی خلاصه می‌شود: الف) راه تکامل ایران همان راه سرمایه‌داری است، که رژیم گذشته هم آن‌راه را می‌پیمود، منتها با این تفاوت که باید جای غارتگران سابق را نوجه غارتگران تازه بگیرند و سپس این نوکیستان بازار آشفته سرمایه‌داری، به سرعت خود را به سطوح فوقانی ثروت و غارت برسانند. البته این سرمایه‌داری مایل است، به اتکاء انقلاب، به اتکاء جوش و خروش ضد امپریالیستی مردم، با غرب بیشتر چانه بزند و منابع ثروت و بازار داخلی ایران را بیشتر زیر کنترل بگیرد. اما عملا این نخواهد شد. سرمایه‌داری جهانی به میزان قیاس ناپذیری از سرمایه‌داری ایران نیرومندتر است و در چند پیچ‌وتاب گشتی، آقایان را "ضربه فنی" خواهد کرد و آنها هم درست و صد درصد از همان‌جا سردر خواهند آورد که خانواده‌پهلوی و نوکرانش آنجا بودند. این در منطق اشیا، در منطق تاریخی رقابت‌های سرمایه‌داری است.

حساب‌های شقیهانه و کودکانه کسانی که می‌خواهند گویا از تضاد بازار مشترک و ژاپن با آمریکا استفاده کنند، نشانه بی‌اطلاعی صرف این افراد است. آمریکا مدتهاست میخ اقتصادی خود را محکم در سرزمین‌هایی مانند آلمان غربی، ژاپن، انگلستان، فرانسه و غیره کوفته است و دست این آقایان از هر باره زیر ساطور امپریالیسم مقتدر، محیل، شروتمند و متجاوز آمریکاست و هیچ کشور سرمایه‌داری در جهان نیست که در آن آمریکا فرمانروای نهایی و اساسی نباشد.

ب) عنصر دوم در توده سیاسی لیبرال‌های وطنی، واژه شیرین "آزادی" است. آنها از میان آزادی‌های فردی و آزادی‌های اجتماعی (آزادی از استثمار و استثمار)، به این دومی اعتقادی ندارند. به آزادی‌های فردی نیز، در آن حد معتقدند که برای احزاب بورژوازی و احیانا "چپ" قلابی و دست‌نشانده، میدان عمل مبنی، موافق دلخواهشان ایجاد شود. برای حزب توده ایران همان قانون شوم ۱۳۱۵ رضل خان (به قول آرائی قانون سیاه) وجود دارد و دیگر محلی از تردید باقی نیست. تکلیف "روحانیت مبارز" و احزاب و سازمان‌های پیرو خط امام نیز روشن است. آن بخشی از چپ، که با امپریالیسم و لیبرالیسم درافتاده است، نیز سروسسی خوشتر از ما نخواهد داشت. لذا لیبرالیسم لیبرال‌های وطنی دارای آن‌چنان محدودیتی است که به آقای و سروری خودشان ختم خواهد شد. آنها هم سرانجام مانند شاه طعون خواهند گفت: "در ایران همه‌گونه آزادی هست، جز آزادی خیانت!" و تمام مخالفان سیاست خود را با حربه "قانون!" طرد خواهند کرد.

ج) عنصر سوم در توده لیبرال‌های وطنی اعتقاد به ضرورت همکاری با امپریالیسم است و به همین جهت در نظر آنها اغتال لانه جاسوسی و "گروگان‌گیری" گاهی است عظیم و آن توبه‌ای که ما از جهت عدم مداخله به آمریکا پیشنهاد می‌کنیم، گویا خود ما باید در برابر آمریکا بدان دست زنییم! این آقایان امپریالیسم را بسیار قدر قدرت می‌دانند. اگر امپریالیسم به شما اخم بکند، پس شما "منزوی" شده‌اید! اگر امپریالیسم شما را "محاصره اقتصادی" کند، پس شما نابود شده‌اید! به نظر آنها سیاست خارجی کنونی ایران، که به دنبال گفته امام خمینی می‌گوید: "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" و "اتحاد مستضعفین جهان علیه مستکبران جهان" باید انجام گیرد. چیزی است شبیه به دیوانگی، این طرز فکر لیبرال‌های وطنی بدانجا می‌رسد که تلاش برای استقرار روابط "برادرانه" با ضیاالحق، این جاسوس منفور امپریالیسم با حرارت‌تر انجام می‌گیرد، تا تلاش برای استقرار روابط عادی با معمر قذافی ضد امپریالیست، که حامی صادق انقلاب ایران است. همه ما شاهد صحنه‌های این دو جریان در ماه‌های اول انقلاب بودیم. چنین است پایگاه طبقاتی و توده سیاسی.

بدون تحکیم  
صلت‌های  
صدام امپریالیستی  
(استقلال طلبانه)  
و ضد استعماری  
(خلق) انقلاب  
حرکت به پیش  
مصلحت است

اجتماعی جناح لیبرال. ما اکنون با مرحله تعمیق تصادم و برخورد دو جناح لیبرال و خلقی روبرو هستیم، و همان‌طور که دبیر اول کمیته مرکزی حزب ما گفته است، طبیعی است که حزب ما مواضع خود را به مواضع روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی نزدیک می‌بیند و به شرف مواضع بورژوازی لیبرال‌ها را خطری جدی و ریشه‌ای برای انقلاب می‌داند. وقتی شما را به انتخاب مجبور می‌کنند، شاهم ناچار انتخاب می‌کنید. بین روحانیت مبارز، که از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی پیروی می‌کند از سوئی، و لیبرال‌ها، که در همه نکات با این خط دشمنی آشکار دارند از سوی دیگر، انتخاب ما منطقاً و خواهناخواه متوجه روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی است. هر عملی غیر از این، قرار گرفتن در تضاد با تمام ماهیت حزب و با تمام قاطعیت خط مشی عمیقاً انقلابی، ضد امپریالیستی و مردمی حزب ماست.

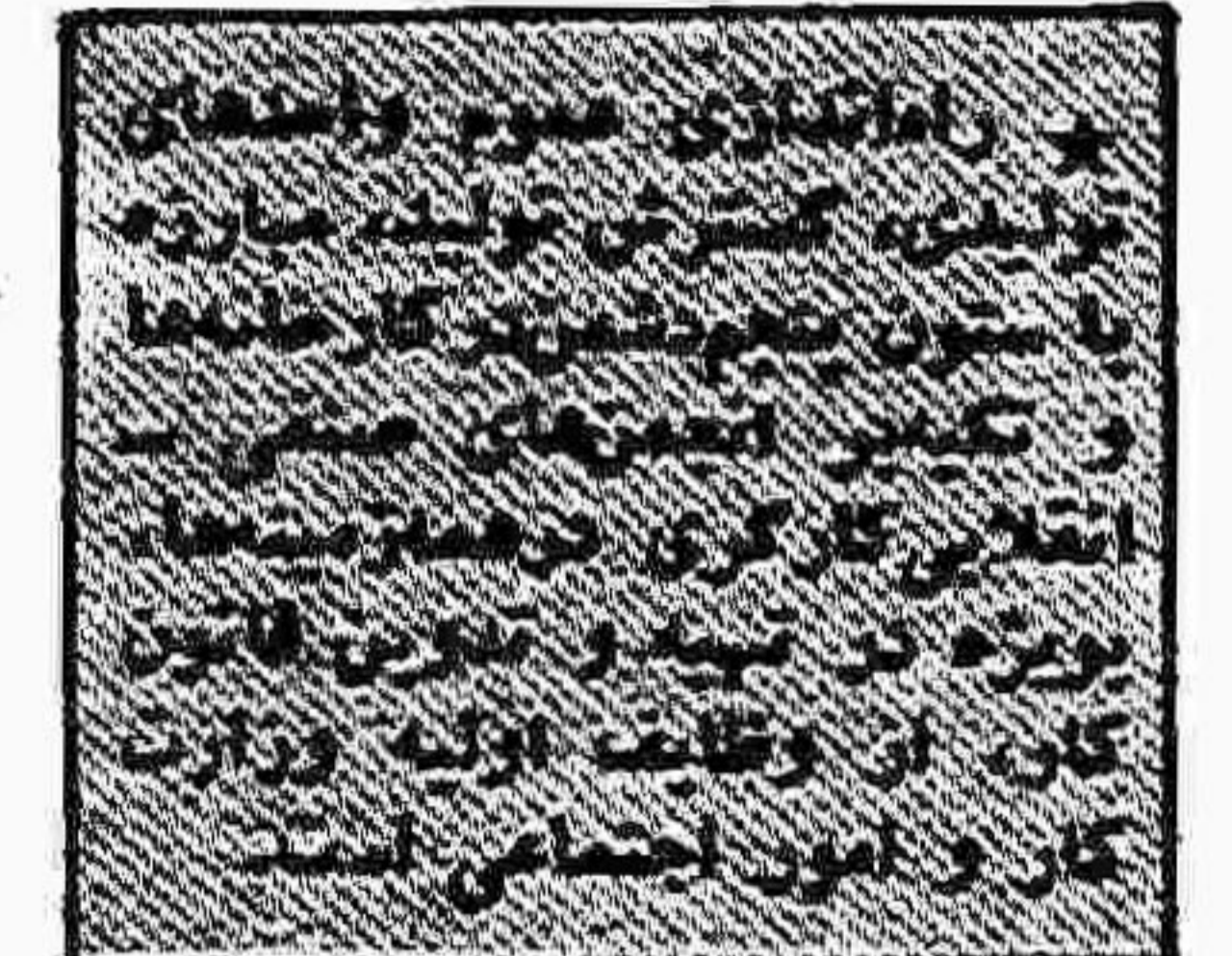
جناح خلقی اکنون از جهت اجتماعی با هارض سخت‌تر از دستگاه استبدادی زوربرورده است، زیرا دستگاه استبدادی شاه منزوی بود و خلق علیه این دستگاه یکجا عمل می‌کرد. ولی اینک جامعه تقسیم شده است. ما اطمینان کامل داریم که اکثریت مطلق جامعه در جهت خط امام است و اگر برای مردم روشن شود که شی لیبرال‌ها از پشتیبانی مبنی امام خمینی برخوردار نیست و از خط او جداست، مردم نیز مانند حزب ما انتخاب خود را بدون دغدغه و تزلزل می‌کنند. اکنون ممکن است ابهاماتی باشد که ناشی از آن است که لیبرال‌ها در ظاهر هنوز خود را "فرزندان امام" می‌خوانند. باید خاطر نشان ساخت که انحصار طلبی، قشری‌گری و زیاده‌روی‌های گروه‌ها و افراد معین و اشتباهات و ندامت‌کاری‌های مسئولان در حل مشکلات گوناگونی که در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، به این ابهامات میدان داده است.

ولی، اطمینان داریم که اگر مواضع لیبرال‌ها برای مردم افشا شود، در انصورت لیبرال‌ها، مانند رژیم سابق، با اقیانوس مردم روبرو خواهند بود. حساب لیبرال‌ها که گویا می‌توانند با بهره برداری از جنگ تجاوری رژیم صدام علیه ایران، با پشتیبانی بخش طاغوتی بازار، با پشتیبانی بخشی از روحانیت محافظه‌کار و حمایت غیر مستقیم ناراضیان از انقلاب و حمایت غیر مستقیم آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی سرانجام حاکمیت را در انقلاب به دست گیرند، حساب غلطی است. این را ما روشن می‌گوییم و روشن‌تر از ما زمان خواهد گفت. در این سخن از قلع و قمع لیبرال‌ها نیست، بلکه از ضرورت عقیم‌گذاشتن تلاشی‌های آنهاست، که به ضرز تعمیق کیفی انقلاب است. انقلاب ایران باید وارد مرحله عالی‌تر شود. "که برکه؟" باید به سود دمکراتیسم، یعنی مستکبری خلقی و به زیان لیبرالیسم، یعنی مستکبری سرمایه‌داری خاتمه پذیرد. انقلاب باید خصلت‌های استقلال‌طلبانه و خلقی خود را تحکیم کند. این شرط پیروزی ما در جنگ با امپریالیسم آمریکا، با رژیم صدام، با ضد انقلاب، با تمام نیروهای گذشته است. این شرط حیاتی حرکت به پیش است و در این مبارزه، روش قاطع و خلقی است که موثر است، نه هیچ روش سازشکارانه دیگر.

آقای محمد میرمحمد صادقی، وزیر کار و امور اجتماعی، روز سوم آذر ماه جاری، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، درباره مسائل کار و کارگری سخن گفت و خط مشی انقلابی آینده را در این زمینه ترسیم کرد.

وزیر کار در پاسخ به سئوالهایی که در مجموع عمدهترین مسائل کارگری را در برمی گرفت، به کمیبودها و تنگناها و نیز هدفها و روشهای حوزه مسئولیت خود پرداخت. نظر به اهمیت موضوع، شایسته است بار دیگر، هرچند مختصر آنرا مورد بحث قرار دهیم.

نخستین نکتهای که باید تصریح کرد این است که: صراحت و قاطعیت سخنان وزیر کار و موضعگیری آشکار ایشان به سود طبقه کارگر ایران و برای مقابله با دشواریهای گسترده کنونی، درست، بجای و امیدبخش است. طبقه کارگر ایران و همه



زحمتکشان ایران و عموم مردم انقلابی ایران، که با عزم استوار بهیچاسته اند تا نظم نوین را بیبریزی کنند و در جهت استقلال و ترقی جامعه خویش به هرفداکاری تن دهند، پشتیبان قاطع اقدامات انقلابی عموم مسئولین و از جمله وزیر کار هستند. درست همین پشتیبانی بوده که انقلابی و ماندگار است که به دست اندرکاران نظام انقلابی امکان می دهد، در مقابله با دشواریها و کارشکنیها، هر سدی را از پیش یا بردارند و از سنگ اندازیها بیعی به دل راه ندهند. در برابر این حمایت بیچون و چرا، انتظار زحمتکشان مفهوم کاملاً انقلابی و طبیعی دارد. آنان چشم امید خود را به نابودی ستم و استثمار لجام گسیخته پستانداری می دانند که این رسالت تاریخ ساز باطنی چه راه دشوار بفرنج و طوفانی بهر خواهد رسید. اما آنچه اینجا و اکنون در برابر همگان قامت افراشته است به طور عمده مسأله از قبیل بیکاری و اشتغال، تدوین قانون کار، لغو ضوابط ضد کارگری و مهار کردن کارفرمایان، راه اندازی واحدهای تولیدی، مسأله مالکیت این واحدها، چارچوب کار، فعالیت و اساس موجودیت انجمنهای صنفی کارگری (شورا و سندیکا) مدیریت تولید، شیوه کار و تشکیلات وزارت کار، نحوه مقابله با توطئه های ضد انقلاب و عناصر دشمن در کارخانهها و پاکسازی آنها است.

بیکاری، واقعیتی است که آقای میرمحمد صادقی به درستی آنرا از عوارض مبارزه بیامان برای تغییر نظام طاغوتی گذشته، و بویژه ناشی از عملکرد امپریالیسم آمریکا در ارتباط با وضع اجتماعی و انقلاب ایران می داند. بیکاری، البته در مواردی نیز ناشی از کارنامه ضعیف و اشتباه آمیز برخی از مسئولان، بخصوص در دوره دولت موقت "گام به گام" است.

بیکاری، که در ذات نظام سرمایه داری است، مسأله برای یک نظام انقلابی و خلقی به مثابه یک بیماری علاج پذیر جلوه گر می شود، که می توان و باید با طرح و اجرای برنامه های همین در جهت نابودی آن گام برداشت. راه حلی که وزیر کار و امور اجتماعی ارائه می دهد، یکی به تحریک در آوردن و بسط تعاونیها است، که اگر خوب اقدام شود، می تواند زمینه برچیدن بساط سرمایه داری بزرگ شود و جوانان ما را ترغیب به فعالیت تولیدی نماید. و مسئله دیگر که مد نظر داریم و راه انداختن کارخانجات و کارگاهها و زمینهای کشاورزی را کدمانده است...

این راه حل در کل درست و تعیین کننده است. دشمنان انقلاب ما، و در راس

نگاهی به سخنان وزیر کار و امور اجتماعی

# اعتقاد مادر کارخانهها به توده کارگر است

دو زیر کار

آن - همان طور که وزیر کار تصریح می کند - سرمایه داری بزرگ و ام الفساد قرن یعنی امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا، کوشیدند تا با محاصره اقتصادی، خالی کردن ذخایر مواد اولیه، در تنگنا گذاشتن شاخه های تولیدی از نظر وسایل و قطعات یدکی، خارج کردن دستگاهها، بیرون بردن سرمایه ها... تولید ما را مختل کنند، امکان احیا و بازسازی آنرا به حداقل ممکن کاهش دهند و بستی را ایجاد کنند که بزم آنها تنها با برقراری مناسبات پیشین، یعنی وابستگی مجدد به امپریالیسم، شکسته شود. در این راه، آنها از وسایل گوناگون از واقعیت های دردناک موجود در کشور ما سود جستند. این همان چیزی است که باید درس لازم را به همه انقلابیون ایران بدهد.

ما وابستگی را نمی خواهیم، برقراری مستقلی سلطه سرمایه داری بزرگ را نمی پذیریم، از ملی شدن شاخه های عمده تولید و توزیع و خدمات و ایجاد بخش گسترده تعاونی در حد واسط، به تصریح قانون اساسی، جانبداری می کنیم. این راه را شروع کرده ایم و حمایت یاری انقلاب و دم مسیحایی حمایت توده های آن، تا به آخر طی خواهیم کرد.

وزیر کار به درستی از راه اندازی کارخانه های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورشکستگی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می کند.

بدیهی است که این کار مستلزم ایجاد آنچنان نظمی در وزارت کار است که به کلی با آهنگ حرکت و سمت آن در نظام طاغوتی پیشین متفاوت و متضاد باشد. باید روح انقلابی را در بند بند این نهاد، جلول داد و

با شیوه های مقتضی آنرا به طور موثر و کارساز، فعال در خدمت طبقه کارگر و پیشبرد امر انقلاب در این محدوده، قرار داد.

برای این کار کمک خود کارگران و نمایندگان آنان بی دریغ است و تجربه آنان گرانقدر - نکته این جاست که وجود مغتنم سندیکاها و شوراهای آنها با ارج گذاشتن به فعالیت و نقش آنها و با حمایت فعال از آنها همراه کرد. این درست است که علی رغم تصریح قانون اساسی در این زمینه، هنوز - همان طور که وزیر کار می گوید - کام های عملی برداشته ایم و حدود تاثیر این نهادها صنفی انقلابی چندان مشخص نیست. درست از همین مبدا باید به مشکل مدیریت رسید. اگر شوراهای کارکنان را، که از جمله نمایندگان برگزیده کارگران را شامل می شوند، در کار نظارت، بررسی، تصمیم گیری و عملی کردن برنامه ها به یاری بگیریم، محققا غلبه بر "مسئله مدیریت" نه تنها آسان نخواهد بود، بلکه احتمالاً

چشم انداز روشنی را ترسیم خواهد کرد.

وزیر کار می گوید: "اگر دولت، در امر تعیین مدیران کارخانجات ملی شده قدری بیشتر دقت نماید، خوب خواهد شد."

و باید روشن کرد که این "قدری بیشتر دقت"، به معنای تزییق ضوابط انقلابی در تعیین سرپرستها است، تا نمایندگان سرمایه داران بزرگ، عناصر غیر انقلابی، نا آشنا به درد، جامعه و بیگانه با خواستهای زحمتکشان، ناحق بر کرسی مدیریت تکیه نزنند.

خلاصه کنیم: "مدیریت واحدها دارای اهمیت زیادی است. امروز که

راه اندازی واحدها، تولید هرچه بیشتر و مطمئن تر، محیط تفاهم انقلابی در کارو منزوی کردن ضد-انقلاب و مبارزه با وابستگی در دستور است، باید مدیریت را با شرکت دادن مجامع صنفی کارگران، انقلابی "مردمی و مطمئن ساخت" وزیر کار در سخنان خود به نکات درستی نظیر ضرورت از میان بردن تفاوت در حقوق و مزایا، شرکت مادر مجامع بین المللی مربوط به مسئله کار و نظایر آن نیز اشاره کرده که موضوع بحث کنونی ما نمی تواند باشد، هرچند بخودی خود، بودر جای خود شایان توجه است.

آنچه در این قریب به دو سال پس از انقلاب اهمیت تامی داشته است، ضرورت تدوین قانون کار و شرکت دادن نمایندگان کارگران، نظرخواهی از آنان در حکم و اصلاح طرح مقدماتی آن و جمع آوری پیشنهادهای گوناگون از این طریق و نهایتاً برگزیدن اصول و ضوابط محکم و انقلابی و بالطبع موافق منافع کارگران است.

خوشبختانه وزیر کار نیز همین خط را دنبال می کند و می گوید:

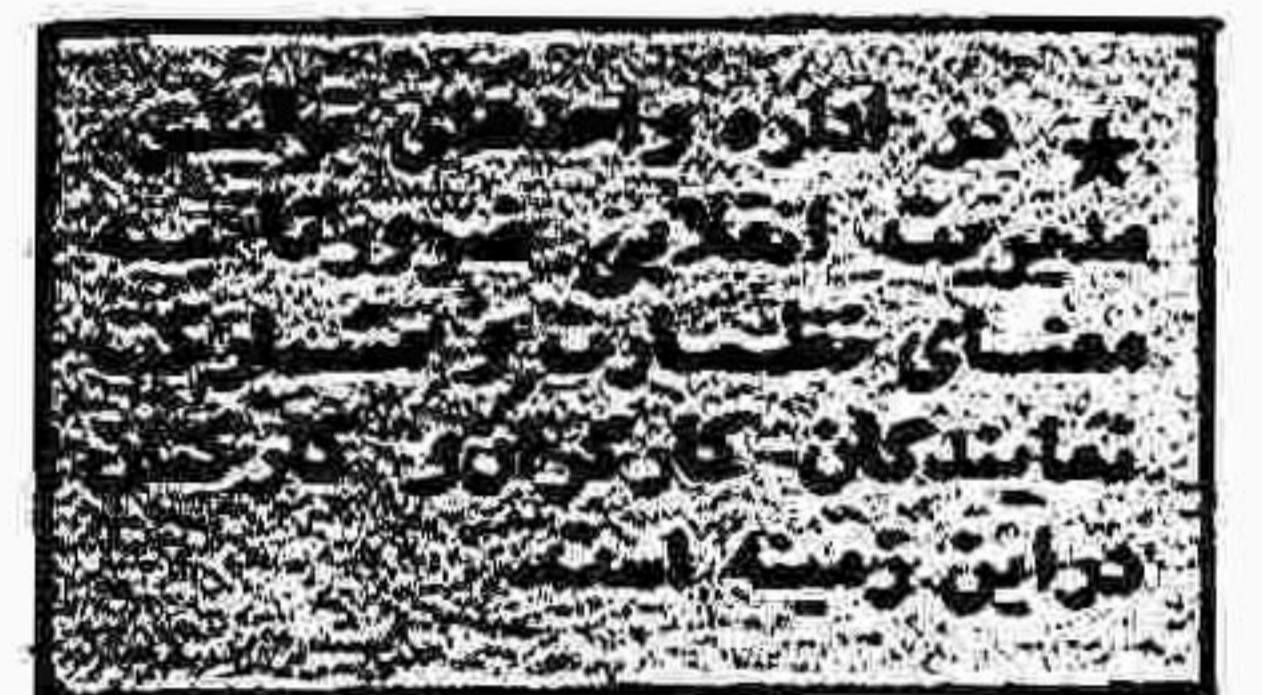
"به محض آماده شدن این قانون (کار) آنرا در معرض افکار عمومی خواهیم گذاشت... امیدواریم بتوانیم یک قانون نسبتاً ایده آل در این مورد تهیه نماییم."

و از همین بیداست که روح ماده ۲۳ (چماق کارفرما) در این قانون وجود باید تاکید کرد که قانون کار آینده، به لحاظ اهمیت آن، باید از هر جهت بازتاب ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب باشد. باید آشکارا در مقام دفاع از کار و زندگی مطمئن، مرفه و انسانی و پیشرو برای کارگران برآید. نباید به هیچ بهانه و تحت هیچ عنوان در زیر ویم مواد آن، در لابلای تبصره ها و آرایش واژه ها و بالطبع با منبم گذاشتن پاره ای از مسائل، که باید صریح و دقیق طرح و تنظیم شوند، اجازت داد که حقیقی از زحمتکشان این صاحبان اصلی انقلاب - تضییع شود. این جانب حساس تهیه و تدوین

قانون کار را فقط با مشارکت فعال و دقیق خود نمایندگان کارگران میتوان و باید در نظر داشت و به نحو احسن مورد توجه قرار داد.

از دیگر نکاتی که در کنفرانس مطبوعاتی وزیر کار به میان آمد، مسئله بازگشت مجدد عده ای از افراد پاکسازی شده ساواکی بهر کار در کارخانهها و خطر وجود آنان بود. این عناصر با نفوذ کردن در شوراهای و اساساً با شایعه پراکنی، دروغ زنی و دامن زدن به مشکلات و تحریک و فتنه انگیزی، همانا نقش ستون پنجم دشمن را به نحو بسیار خطرناک و در عین حال دقیق، همه جانبه و موثری ایفا می کنند.

وزیر کار به این مسئله توجه دارد و البته با تاکید بر این که: "۹۹ درصد از برادران کارگر ما خوب هستند... معتقد است که: "با هشیاری برادران کارگرمان در



کارخانجات و همچنین نظارتی که قانون برای وزارت کار معین نموده است، این مسئله (خطرناک) منتفی می شود. من ایمان دارم که با اجرای هرچه سریع تر قانون شوراهای و هشیاری و دقت عمل ما مسئولین، این مسائل حل می شود."

آری، مقابله با توطئه عناصر ضد انقلابی تنها در گرو قاطعیت انقلابی، وجود ضوابط انقلابی و تکیه بر حمایت خود کارگران است و در این زمینه نیز حق با وزیر کار است که می گوید:

"اعتقاد در کارخانجات به توده کارگر است."

بنابراین ستون پنجم اخلال گر را باید شناخت و "از طریق دادگاههای انقلاب با آنها" مقابله کرد. وی می گوید:

"این عناصر نه تنها به انقلاب خیانت می کنند، بلکه بزرگترین خیانت را با کارگران ما می کنند. اینها خیانت به اصل شوراهای کارگری ما می کنند. در حال حاضر آن کسانی که مخالف وجود شوراهای در کارخانجات هستند، خرابکاری این افراد را به حساب شوراهای می گذارند و از وجود آنان بر علیه شوراهای استفاده می نمایند... وظیفه همین شوراهای انجمن های اسلامی و همین برادران کارگر مالست که دست این عناصر اخلال گر را از اقتصاد و تولید ما کوتاه نمایند..."

بدین ترتیب، موافق این انتظاری که از مجامع صنفی کارگری می رود، انتظار می رود که نقش لازم به آنان واگذار و اختیارات مورد نیاز به آنها تفویض شود.

آقای میرمحمد صادقی در مورد ترکیب شورای عالی کار نیز بر "کارگر بودن" اعضا آن، به مثابه حیار، انگشت گذاشت و این که "تأثیر از طریق شوراهای کارگری در شورای عالی کار شرکت خواهند کرد و شورای عالی کار هم مثل دیگر جاهای اصلاً اتکالی به وجود سرمایه داران نخواهد داشت... اطمینان می دهم که تفکر سرمایه داری را چه در وزارت کار و چه در شورای عالی کار تحمل نخواهم کرد."

آری، این آن اهرم مطمئنی است که رمز پیروزی به شمار خواهد رفت. اگر به خود کارگران تکیه کنیم، که خواهیم کرد، اگر وجود زالوصفتان انگل را تحمل نکنیم، که نخواهیم کرد، آن گاه گل شکفته کار و رنج زحمتکشان را دست جریس و خون ریز سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم نخواهد چید و زندگی در سراسر واحدهای تولیدی ما شکوفان خواهد شد. در انقلاب ما، اگر جز این می بود، حیرت آور بود.

سخنان وزیر کار و امور اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران گواه عبق خلقی انقلاب است. در پیش برد طرح های انقلابی دولت با تمام وجود و به هر وسیله ممکن بکشیم و آنهارا تمهید کنیم، متحد بخشم و گسترش دهیم.

## تصویر

نام کارگر  
شهرت دیگری ندارم  
شمار رنج در پیشانم ارثی  
و پهنه های دستانم، قصه زندگی است  
پوستم؟  
- در کارگاه زمانه ده اغی شده  
من زره اتحادم  
جز نبرد و کار راهی ندارم  
شب و روز؟ فرقی ندارند.  
خواهران و برادرانم  
فرزندان و رقابم  
باید آزاد زندگی کنند  
من هم می خواهم آزاد بمیرم  
برای این است که کار می کنم  
برای همین است که می جنگم.

جهان

## کارگران مبارز ایران!

در یکدمت با ابزار کار  
و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

### باز هم فتودالها حادثه آفرینند و نماینده دهقانان را کشتند

## دستشان کوتاه وریشه‌شان بر کنده‌باد

در سیدهدم روز سه‌شنبه ۱۳۵۹/۸/۱۳ در روستای دوبان نزدیک شهر داراب حدود ۴ کیلومتری داراب در جاده بین ده و داراب چندین نفر از افراد وابسته به خانواده یکی از مالکهای دوبان بنام آقای کربلاقی حیدرستنی به نمایندگی روستائیان که شخصی مبارز و ضد فتودال بنام بهروز بیخست که همکار ریهای پرازمی با هیئت هفت نفری نیز داشت و حشیانه با چوب و چماق واسلحه گرم حمله نمودی و او را شهید نمودند و سپس مراد در زیر یک ماشین حمل نموده و چندین کیلومتر آنطرفتر در نزدیکی پیرمراود زیر یک ماشین شن پنهان نموده بودند که در حدود ساعت ده صبح جسد توسط روستائیان کشف گردید.

در حمله سیمانه که به آقای بهروز بیخست نموده بودند بازوی راست و پای راست در اثر ضربات چماق و میله آهنی کاملاً شکسته و خرد شده بود و به جمجمه نامبرده نیز ضربات شدیدی زده بودند که شکستگی جمجمه در طرف راست نیز داده بود در رابطه با این قتل حیدر (رستمی) و چندین نفر دیگر نیز دستگیر شده اند که اکنون در زندان زندان رهبری داراب حبس میباشند. فعلاً ۵ نفر در این رابطه دستگیر شده اند.

این جنایت بزرگ مالکان نشان میدهد هنگامیکه منافع پلید طبقاتی آنها بخاطر میافتد و دهقانان حق طلب میباشند و دولت انقلابی هیئت ۷ نفری را برای احقاق حق به ده میفرستد، از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نمیشوند. خون بهروز بیخست بزمین ریخت و یک قلب پر شور و مدافع دهقان از طیش با زاریست دولتی هرگز آن هیئت ۷ نفری که شهید با آن همکاری داشتند دهقانان دوبان، نه هر دهقانی در استان فارس که این خبر را شنیدند او را فداکاری او را فراموش نخواهند کرد. و هرگز اجازه نخواهند داد این خون پایمال شود. مدام در خوزستان خون میریزد و ارباب در فارس. هر دو میگویند تا بساط سلطه آمریکا و ملی غارت وابستگان به آمریکا را دوباره به مین انقلابی مابازگردانند. ولی غارت و مصادیق خواه دشمن بزرگ مالکان اینها نیز شامل آمریکا و عامل طاغوت هستند.

حادثه جانگداز قتل دهقان مبارز بدست فتودالها رنگ خطر دیگری است. همداری است که هر چه زودتر دست لیبرال های سازشکار و روحانی نمایان مخالف خط امام که در خدمت فتودالها هستند کوتاه شود. آنها توسط کشته کرده اند تا هیئتهای ۷ نفری از بین بروند و لااقل اثر و عملی نداشته باشند. ۷ نفری و عمل آنها در جهت اجرای قانون و احقاق حق، در جهت انقراض بزرگ مالکی جنایتکار و غارتگر آدمکش در جهت زمین دار کردن تهیدستان روستا دفاع کنند.

مالکان و عناصر ضد انقلابی و روحانی نمایان مخالف با خط امام به نتیجه برسد و جلوی فعالیت هیئتهای ۷ نفره گرفته شود. موجودیت و فعالیت هیئت - های هفت نفری در اجرای قانون یک عمل انقلابی است که خواست مصرانه دهقانان نیز است.

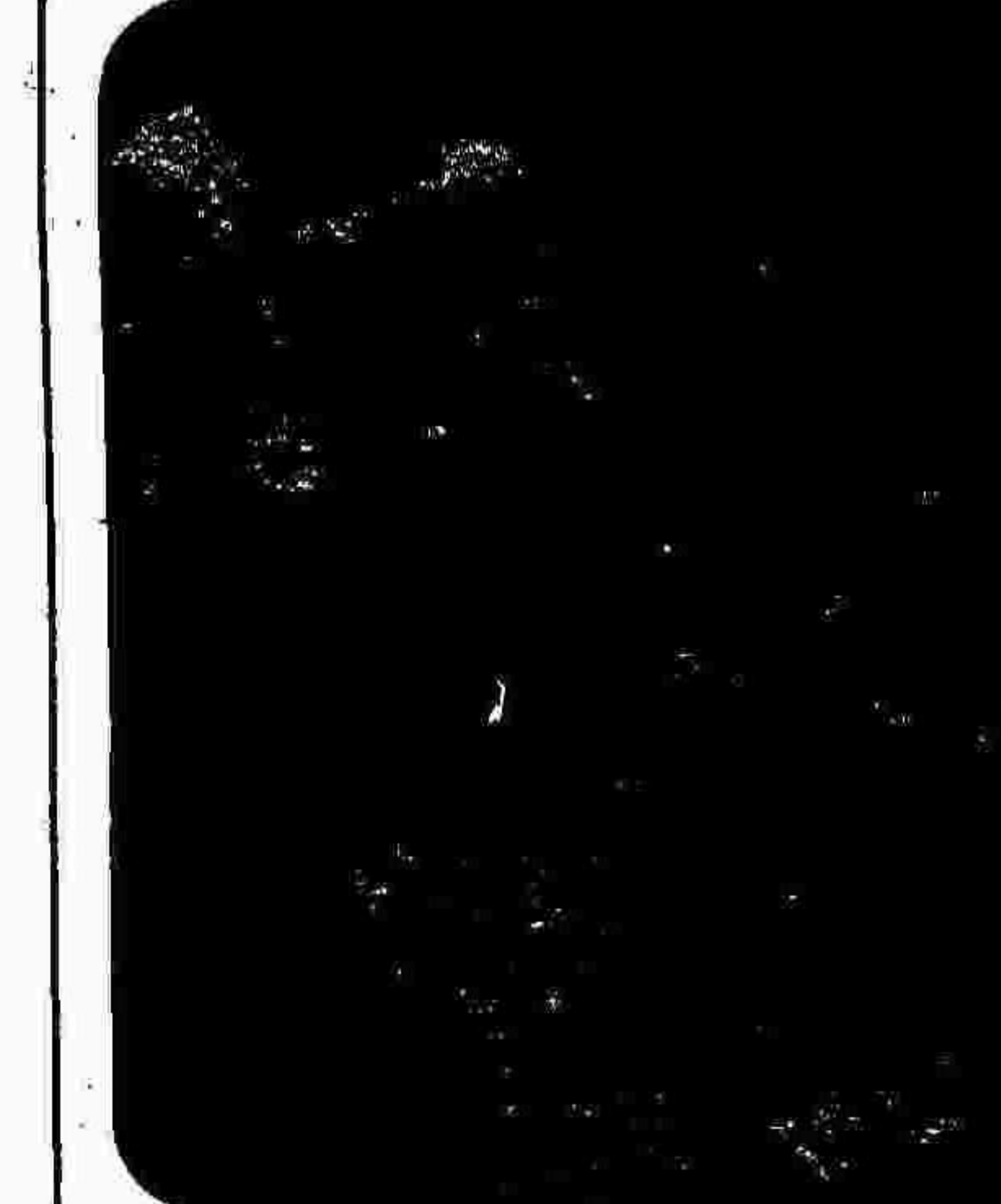
## حمزه کلا در مازندران

روستای حمزه کلا، در جنوب بابل و در ۱۵ کیلومتری آن و در کنار جاده قدیم بابل - آمل واقع است. بیش از ۱۷۰ خانوار دهقان در حمزه کلا، زندگی میکنند. محصول این روستا فقط برنج است.

### خواست اصلی دهقانان، حل مسئله زمین است

در حمزه کلا، زمین به مقدار زیاد وجود ندارد، به نحویکه مجموع مساحت زمین های زیر کشت، ۴۰ هکتار است. هشتاد درصد بیش از ۱۳۰ خانوار دهقانان حمزه کلا، بی زمین هستند و بقیه دهقانان کم زمین اند. تنها چند خانوار زمین دارند.

بزرگترین صاحب زمین در ده، تنها ۵ هکتار زمین دارد. بنابراین در این ده بزرگ مالکی نیست بسیاری از دهقانان بی زمین حمزه کلا، به روستاهای اطراف آمل میروند تا روی زمین بزرگ مالکان بعد از سالها کار، زمینها متعلق به آنها باشد.



دهقانان حمزه کلا - بابل: با کمک به روستائیان، جیبه تولید را دوپشت جیبه جنگ تقویت کنیم.

در کار تولید دهقانان موثر واقع شد دهقانان این روستا بحق میخواهند که هر چه زودتر اراضی بزرگ مالکان اطراف منطقه بصورت مالکیت مشاع به آنها واگذار شود تا آنان از چورو ستم چندین ساله مالک جان آنها رها به لب برسانده است، برهنه، وضع ارضی ایجاب میکند که برای حل مسئله زمین در این روستا تولید تعاونی را بوجود آورد. همچنین ایجاد صنایع جنبی برای جذب نیروهای کار ضروری است. دهقانان این روستا حاضرند با جان و دل چه در جیبه جنگ و چه در جیبه تولید و کشت بیشتر از انقلاب دفاع کنند.

دهقانان بی زمین حمزه کلا، دو نماینده از بین خود انتخاب کردند. آنها به نهادهای مختلف انقلابی، وزارت کشاورزی، استانداری مازندران و حتی با دفتر امام رفته اند و شرح حال خود را بازگفته اند تا مشکل اساسی ۱۳۰ خانوار، یعنی مسئله زمین را حل کنند.

متأسفانه تاکنون تصمیم قاطعی در مورد حل این مشکل بزرگ از جانب مقامات مسئول گرفته نشده است. آنها به اقدامات هیئت ۷ نفره واگذاری زمین که در بابل تشکیل شده است چشم امید دوخته اند. و باید نمیتوانند قبول کنند که تشیبات لیبرالها و بزرگ

جمعیت و شکایات نام، نفرت و انزجار خود را نسبت به مالک ابراز داشته اند و در اعتراض نامه خود از مقامات مسئول خواسته اند که قانون مصوبه شورای انقلاب را دقیقاً اجرا کنند و زمینهایی را که مالک غصب کرده، به دهقانان که صاحبان

نابرابری رژیم آریامهری را چشیده اند، در پیرون راندن رژیم طاغوت سهم بسزایی داشتند. بعد از انقلاب، این دهقانان دیگر نمی توانستند شاهد باشند که همان مالکان بر آنها فرمانروایی کنند و همچنین بیشتر اراضی را برابری رژیم آریامهری را چشیده اند، در پیرون راندن رژیم طاغوت سهم بسزایی داشتند. بعد از انقلاب، این دهقانان دیگر نمی توانستند شاهد باشند که همان مالکان بر آنها فرمانروایی کنند و همچنین بیشتر اراضی را

## مشکلات روستاهای کبوتر آهنگ

روستائیان آق تپه - داق داق آباد - پرورق و بیشتر روستاهای کبوتر آهنگ از کمبود نفت و گاز و قبیل که لطمه شدیدی بر کشت محصولات با توجه به ضیق وقت میزند، متذکر شدند و خواهان رفع این مشکل شدند. قابل ذکر است که تعداد زیادی از این روستائیان زحمتکش از جمله ۴۲ نفر از روستائیان آق تپه و حدود ۱۵ نفر از روستائیان داق داق - آباد و تعدادی از روستائیان پرورق و سایر روستاها بخاطر دفاع از میهن و دستاورد های انقلابشان از جیبه های جنگ در غرب شدند که تعدادی از آنها به علت کمبودت سب و عدم آشنایی به کاربرد اسلحه آبارا برگشت داده شدند و دولتی آنها قصد دارند جیبه مقتصدان را در پشت جیبه و در سنگرهای مزارع با تعام تلاش و قوا با انجام برسانند. برای این منظور رساندن گاز و قبیل به این روستائیان زحمتکش اهمیت خاصی پیدا می کند. مشکلات دیگر روستائیان مربوط به بانک کشاورزی کبوتر آهنگ است.

## دهقانان از اعضای سنجید نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و نماینده باستان را برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرند

انتظارند. تاخیر در امر واگذاری زمین و تصویب کار هیئت ۷ نفری تا سف انگیز است. برای انجام این امر مهم انقلابی و انسانی، باید به هیئتهای واگذاری و تقسیم اراضی کمک کرد و جلوی خرابکاری ها و کار شکنی ها را گرفت. در شرایط کنونی که کشور ما در حال جنگ با رژیم مزدور و متجاوز بعث عراق است و به تولید هر چه بیشتر محصولات کشاورزی و مواد غذایی دارد، جلوی لیبرالها و اربابان را، که به انقلاب ضربه میزنند و فشار وارد می آورند، باید گرفت.

واقعی زمین اند و در از دیدار محصول زمین غنچه اند، واگذار کنند. به علاوه دهقانان خواهان ایجاد دبستان، حمام، غسال خانه، کشیدن برق، تأمین آب آشامیدنی، تأمین بهداشت و دیگر نیازهای ضروری و اولیهم زندگی هستند. دهقانان زحمتکش چشم

رادر دست داشته باشند و علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه چینی کنند و با ایجاد ناراضی و پخش شایعات و خرابکاری میهن را تضعیف کنند. به همین جهت دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا به دفاع، به صورت اعتراض دسته

روستای امیرآباد بابا رستم، در حومه بابا شهرستان نهاوند (استان همدان) واقع است. جمعیت این روستا ۲۵۰ الی ۳۸۰ نفر است. دهقانان این روستا، که خود سالها طعم ظلم و

# نورالدین کیانوری (۲) «پرسش و پاسخ»

## شخصیت‌های خاکی و ضد امپریالیست نباید بالیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند

### ۳- آیا کشورهای جبهه پایداری که با قاطعیت از انقلاب ایران در مقابل تجاوز آمریکا - عراق پشتیبانی میکنند «وابسته» هستند؟ ۴- فحاشی، تهمت زنی و تحریک زبیده روزنامه‌های مدعی وفاداری به آرمان‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست (درباره اظهارات اخیر روزنامه «جمهوری اسلامی»)

جلسه مرسوم پرسش و پاسخ در مطبوعات روز پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۵۹ در حضور آقای نورالدین کیانوری، مدیر روزنامه «جمهوری اسلامی» در تهران برگزار شد. در این جلسه پرسش‌ها و پاسخ‌ها به شرح زیر گردید:

س: آقای بنی‌صدر در مصاحبه مطبوعاتی روز چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۹، در برابر پرسشی مبنی بر این که آیا نزدیکی به کشورهای وابسته نظیر سوریه، لیبی و الجزایر، پشت یازدن به شعار "نه شرقی و نه غربی" نیست، پاسخ داد: «البتدر وابستگی این کشورها بحث است. لطفادراین مورد توضیح دهید».

ج: این سوال کننده ظاهراً باید نامیده «روزنامه» «عدالت» باشد و اگر من اشتباه می‌کنم معذرت می‌خواهم. در نظر ما، «نه شرقی و نه غربی» شعار است و ما با کشورهای وابسته است و هر کشوری که مناسبات سیاسی مادی و دوستانه با کشورهای سوسیالیستی دارد، به نظر ما، وابستگی به آن است. بنی‌صدر هم در این باره چنین گفته است: «خوب آقای بنی‌صدر در این جا جوابی داده که چیزی از آن نمی‌شود فهمید او گفته است: «البتدر وابستگی این کشورها بحث است». نمی‌شود فهمید که آیا آقای بنی‌صدر هم معتقد است که این کشورها به شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی «وابسته» اند یا نه. این هم یک شیوه‌ای است که جواب صریح به مسائل ندهند. خوب بالاخره خیلی صریح می‌شود مطلب خود را بگویند. از این جواب ممکن است شخص این طور بفهمد که جواب دهنده عقیده دارد که: «بله من هم مثل شما معتقدم که این کشورها وابسته هستند، ولی گفته این مطلب در شرایط کنونی دشوار است و یک مقام مسئولیت‌دار در رابطه با کشورهای کیمیا این قاطعیت از انقلاب ایران در مقابل تجاوز آمریکا - عراق پشتیبانی کرده‌اند، نمی‌تواند بگوید که آنها وابسته‌اند و استقلال ندارند. البتدر چنین چیزی گفته شود، یک مطلب دیگر هم ناچار درمی‌آید، یعنی اگر مثلاً آن مائوئیست، ادعا کند که این کشورها به اتحاد شوروی وابسته هستند، آنوقت حمایت بی‌دریغ آن‌ها از انقلاب ایران و این که مثلاً لیبی حاضر شده است هر چه دارد، برای تقویت انقلاب ایران، در جنگ علیه تجاوز آمریکا - عراق در اختیار ایران قرار دهد، این هم قاعدتاً باید به دستور اتحاد شوروی باشد، چون یک کشور وابسته که بدون گرفتن دستور این کار را نمی‌کند. چنین ادعایی ناچار از کار درمی‌آید، زیرا نتیجه‌اش خواهد بود که کشورهای سوسیالیستی می‌تواند مثل آن کشورهای وابسته به خود با تمام قوا از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند. پس می‌بینیم که جواب صریح دادن به این سوال دو سه جا نقص پیدا می‌کند و به این جهت شیوه رایج و راحتی به کار می‌رود که جوابی داده شود که هیچ مدرکی به دست ندهد و در همین حال هم «آره» باشد و هم «نه».

ما نمونه‌هایی از این شیوه را در موارد دیگر هم سراغ داریم. مثلاً در مورد مالکیت، از مقام مربوط نمی‌پرسند که مالکیت سرمایه‌داری را چه جور باید محدود کرد تا اقتصاد کشور راه بیفتد؛ جوابی که داده می‌شود این است که مالکیت در رونق اقتصادی و تولید نقش تعیین کننده ندارد یعنی اگر تمام دارایی و ثروت یک کشور مثل دوران طاغوت متعلق به یک فرد شاه باشد، هیچ تأثیری در رونق اقتصادی و تولید نخواهد کرد. می‌توان سرمایه‌داری و از جمله سرمایه‌داری وابسته را هم حفظ کرد، ولی فقط «آسیت و ثبات منزلت‌ها برجا باشد». ببینید جواب چقدر گشاد است. «آسیت و ثبات منزلت» حالا می‌بویهد اشاره‌های معارف رجوع کن و همین مقصود از «آسیت و ثبات منزلت» یعنی چه؟ و بعد این گفته که انسان باید حقوق و تکالیف قانونی خود را بداند و این حقوق و تکالیف دارای چنان تضمین‌های قانونی باشد که کسی نتواند به آن تجاوز کند، یعنی چه؟ یعنی این که سرمایه دار باید بداند که می‌تواند یک مملکت داشته باشد و هیچ کس هم نتواند به این حقوق تجاوز کند! از این جمله‌های چیزهایی می‌شود فهمید. ما البته چنین برخوردهایی به مسائل اساسی که تعیین کننده سرنوشت اجتماعی ایران است، نمی‌توانیم موافق باشیم و این برخوردها را لوث کننده، مسئولیت می‌دانیم.

س: چرا روزنامه «جمهوری اسلامی» به بهانه‌های مختلف به حزب توده ایران حمله می‌کند؟ چرا روزنامه «جمهوری اسلامی» درست از همان زمانی که سیاستش با نظرگاه‌های حزب توده ایران نزدیکتر می‌شود، به این حزب تا سزا می‌گوید؟ چرا روزنامه «جمهوری اسلامی» علیه حزب توده ایران اعلام جرم کرده است؟ آیا بدین وسیله می‌خواهد بی‌اساس بودن تبلیغات لیبرال‌ها را در مورد «نزدیکی» حزب جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، نشان دهد؟

ج: در این جا به هیچ وجه صحبت «نزدیکی» در میان نیست. حزب توده ایران از قبل از انقلاب و به ویژه از آغاز فعالیت‌هایش، کوشیده است در حدود امکانات واقعی خود (تصریح می‌کنم که در حدود امکانات واقعی خود) نظریاتش را در زمینه کلیه شئون زندگی اجتماعی با صراحت کامل بیان کند و هیچگاه بهم نداشتند است که بجان یک حقیقت مهم مربوط به سرنوشت انقلاب ایران، حتی آزادی فعالیت حزب توده ایران را به خطر اندازد. در این زمینه ما انقدر دلیل و نمونه داریم که کمتر کسی می‌تواند تردید کند.

اما در مورد این بخش‌های دیگر از نیروهای اجتماعی که در آغاز انقلاب با بعضی از موضع‌گیری‌های حزب توده ایران موافق نبودند یعنی مبارزه انقلابی هنوز صحت ارزشی‌های ما را به آن‌ها ثابت نکرده بود، حالا تجربه خود و درمیدان عمل کم‌کم به درستی بسیاری از این ارزشی‌ها پی برده و می‌یابند. باید گفت که این واقعیت اجتماعی تمام انقلاب‌ها و جنبش‌های انقلابی جهان در طول صد و سی سال اخیر است. اولین کسانی که گفتند امپریالیسم یک رژیم غارتگر و جنایتکار است تعدادشان بسیار کم بود. ماهیت این پدیده، نوین تکامل سرمایه‌داری غارتگر یعنی امپریالیسم که تعریف علمی آن را نخستین بار لنین بیان داشت، در آغاز بر عده بسیار معدودی شناخته بود. ولی امروز نه فقط کمونیست‌ها، بلکه مدها و صد‌ها میلیون افراد امپریالیست در سراسر جهان به ماهیت امپریالیسم به عنوان یک رژیم غارتگر و جنایت‌پیشه، پی برده‌اند. اکنون این شناخت

نه فقط در جامعه ما، بلکه در تمام جوامع فراگیر می‌شود. زمانی بود که مالکیت فئودالی، مالکیت اربابان بزرگ مالک، «مقدس» به شمار می‌رفت. در ایران ما تا همین چندین پیش در «مقدس» بودن این مالکیت حرفی نبود. پنج سال پیش کسی نمی‌توانست علیه مقدس بودن مالکیت بزرگ مالک حرفی بزند، سنگساری می‌کردند. ولی امروز میلیون‌ها نفر از مردم جامعه ما به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگ مالکی یک نظام غارتگر اجتماعی است. پس طبیعی است که در جریان مبارزه علیه دشمنان انقلاب ایران، بخش‌های گوناگونی از انقلابیون راستین ایران به شناخت‌های تازه‌ای برسند که حزب ما دهها سال پیش به آن رسیده بود. باید توجه داشت که ما رو به سمت سال مبارزه در جامعه ایران پشت سر خود داریم.

هیچ سازمان سیاسی و هیچ نیروی سیاسی دیگر و حتی هیچ فرد جداگانه‌ای چنین تاریخی از مبارزه و چنین تجربه‌ی شریک ندارد. تازه علاوه بر همه این‌ها همیشه کوشیده‌ایم از تجربه انقلابی خلق‌های دیگر جهان نیز به معنی حقیقی کلمه، بهره‌گیری کنیم، این تجربه‌ها را مطالعه کنیم و هرآنچه را که در این تجربه‌ها سودمند تشخیص دهیم، به کار بگیریم. با چنین واقعیتی، این غیر عادی نیست که کسانی امروز به همان شناختی برسند که ما یک دوره پیش به آن رسیده‌ایم. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات علوم اجتماعی در نخستین بار حزب توده ایران در مطبوعات ایران و در زبان فارسی به کار گرفته است. همین واژه «امپریالیسم» و «بورژوازی لیبرال» هم که امروز دیگر به فحش تبدیل شده و اگر در مجلس به کسی بگویند لیبرال، خودش را توهین شده تلقی می‌کند. مثل این که اول بار توسط ما در فرهنگ سیاسی ایران وارد شده است، زیرا نخستین بار ما بودیم که در مبارزات سیاسی روی این مفهوم تکیه کردیم و حالا در مقیاس وسیع آن را شناختند. پس این طبیعی است که نیروهای اصلاح‌طلبی به تدریج به شناخت‌هایی برسند که در گذشته نداشته‌اند. مثلاً در دوران حکومت موقت، بخشی از نیروهایی که امروز شدیداً علیه لیبرالیسم مبارزه می‌کنند، همین لیبرال‌ها که در دولت بودند، همکاری کاملاً نزدیک داشتند و اگر ما در آن زمان علیه لیبرال‌ها صحبت می‌کردیم، شدیداً به ما حمله می‌کردند و می‌گفتند شما به دولت انقلابی ایران که مورد تائید امام هم هست، توهین می‌کنید، ولی حالا دولت «گام به گام» و «دولت موقت» خودش شده و حتی بعضی‌ها سعی دارند ثابت کنند که در آن دوران با دولت «گام به گام» موافق نبوده و در جهه «مخالفتش» قرار داشته‌اند.

اما در مورد انگیزه‌های حمله به حزب توده ایران، همان طور که قبلاً هم به تفصیل گفته‌ایم، دشمنان و مخالفان حزب با طیف بسیار گسترده‌ای دارند. و در همه نقاط دیگر دنیا هم بیرون سوسیالیسم علمی، از ابتدای پیدایش آن، همیشه با طیف عظیمی از مخالفان و دشمنان سرخست روبرو بوده‌اند. حتی خیلی از دوستانشان هم آن‌ها را درک نمی‌کردند و به آنها می‌تاختند. مثلاً همین سازمان چریک‌های فدایی خلق - اکثریت - که آنها خود را بیرون سوسیالیسم علمی اعلام می‌کنند، تاریخچه‌ای از دشمنی اتهام‌زنی به حزب ما پشت سر دارند که اگر بخوایم همه آن‌ها را جمع کنیم، مثنوی هفتاد من می‌شود. با این وصف، لیبرال‌ها دیگر جای خود دارند. آن‌ها در وجود حزب ما بزرگترین دشمن خود را می‌بینند، زیرا هر شگردی که می‌زنند ما اولین نیروی هستیم که آن را افشا می‌کنیم و با این افشاکاری به دیگر نیروهای انقلابی هم کمک می‌کنیم تا آنها را بشناسند و در دامشان نیفتند.

مخالفت با حزب ما، گاه از طرف برخی نیروها شکل بسیار بیگانه به خود می‌گیرد. برخی از این مخالفان اصلاً جدی به مسائل برخورد نمی‌کنند و تنها به فحاشی و تحریکات پیش پا افتاده می‌پردازند. یکی از نمونه‌های آن همین مطالبی است که امروز در «نامه مردم» دیدید: جناب حاشمی‌نویس که واقعا در حاشیه عرصه واقعیت‌های ایران نشسته است، چنان مطالب کودکانه‌ای علیه حزب ما نوشته است که حتی دوستانش هم در حزب خودش از آن خواهند کرد که این دیگر خیلی ابتدایی است و تصور این که حزب توده ایران چنین کاری بکند، احمقانه است و ممکن نیست که این حزب حاضر شود کتاب خود را «کتابی» زیر پوشش نام دیگران به داخل مدارس بفرستد. همه می‌دانند که کتاب‌های حزب توده ایران برای رسیدن به دست علاقمندانش نیاز به این «تقلیب»‌ها ندارد!

حال باید دید که انگیزه واقعی این تحریکات چیست؟ این کار دو انگیزه می‌تواند داشته باشد: یکی ناآگاهانه و از روی یک دشمنی کین‌توزی بی‌منطق، مثل عمل کوه‌نشین‌های گسلی که ریخته‌اند دیرخانه ما را چاپ‌بند و کتاب‌های ما را از بین بردند و یکی که کاملاً آگاهانه، در این صورت باید آن را جزئی از یک توطئه علیه حزب توده ایران تلقی کرد. برای این که پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران از جریان اصلی انقلابی ایران یعنی راه خط امام، نه تنها دشمنان عیان خط امام را عاصی کرده، بلکه عناصری برآخته کرده و به اقدامات تحریک‌آمیز علیه حزب توده ایران و علیه پشتیبانی آن از این سمت‌گیری اصلی واداشته است. انگیزه سومی که در این زمینه می‌توان تصور کرد این است که این عمل واقعا کودکانه، برای «تیرش» خود در قبال حملات روزنامه‌های «انقلاب اسلامی» و «میزان» انجام گرفته باشد که مدام تهمت می‌زنند که شما «زیربند» حزب توده ایران رفتارید و حزب توده ایران شما را می‌گرداند. ولی در این صورت مشکل به توان گفت که فحش و ناسزا و توهین‌های رکیک تأثیر خیلی زیادی دارد. به هر حال در مورد انتخاب و کاربرد الفاظ رکیک و زننده، ما باید اذعان کنیم که در این میدان، در میدان فحاشی، ما فوق‌العاده ضعیف هستیم و بلافاصله جلوی این گونه مخالفان و دشمنان، لنگ خواهیم انداخت و ضامن باید بگوییم که در صحنه سیاسی هر کسی از آن شیوه‌ها و وسیله‌های استفاده می‌کند که واقعا زبیده خود می‌داند. ولی ما امیدواریم که روزنامه «جمهوری اسلامی» که ما برای صاحب امتیاز آن و برای رهبران حزب جمهوری اسلامی صرف نظر از اختلاف نظرهای خود با آنان، احترام اجتماعی قائلیم، اجازه ندهد که ارزش‌های انسانی را تا آنجا پایین آورد که در صحنه سیاسی چنین شیوه‌هایی را به کار بگیرند. این برای ما باعث تأسف است. اگر چنین مطالبی در «رنجیر» و «عدالت» یا دیگر ورق‌پاره‌های تریچه‌های پوک و گروهک‌های آمریکا ساخته مائوئیستی می‌آید، ما تمیمی نمی‌کردیم، زیرا آنها جز این شیوه دیگری ندارند، ولی برای روزنامه «جمهوری اسلامی» با توجه به مسئولیت و رسالتی که بر عهده گرفته است، به هیچ وجه تائید نیست که به چنین شیوه‌هایی مبادرت ورزد.

متأسفانه این تنها روزنامه «جمهوری اسلامی» نیست که چنین برخوردی داشته است. روزنامه «انقلاب اسلامی» در این میدان سختی دارد

کوی سبقت از دیگران برآید و در این زمینه گاه مطالبی نشر می‌دهد که حتی رئیس جمهوری را هم به دام می‌اندازد. مثلاً اشاعه این دروغ صریح که کویا حزب توده ایران برای میتینگ وسیعی که در چند روز پیش در اصفهان تشکیل شد و حجت‌الاسلام خلخالی در آن صحبت کرد، با کامیون به روستاها رفته و آدم آورده است. البته ما از آقای سلاتیان انتظار نداریم که از این حد بالاتر برود و متین‌تر از این عمل کند. این شیوه‌ها در شان و در حد اوست. ولی روزنامه «انقلاب اسلامی» هر چه باشد نام رئیس جمهور را برخورد دارد و ما متأسفیم که روزنامه‌ای که مسئولیتش با خود رئیس جمهور است، همچنین تعقیب‌هایی دست بزند و با چنین لاپلاطاتی، در صدد تحریک و شوباز کردن ذهن رئیس جمهور برآید. در نتیجه همین تحریکات و فتنه‌انگیزی‌ها است که برای رئیس جمهور این تصور پیش می‌آید که کویا حزب توده ایران و چریک‌های فدایی خلق - اکثریت - در فلان محل دودسته شده و یک‌دسته از روحانیت مبارز و یک دسته از بنی‌صدر حمایت می‌کنند و بدین وسیله جنگ حیدری - نعمتی راه می‌اندازند. البته ما فکر می‌کنیم که آقای بنی‌صدر از سیاست حزب توده ایران و به خصوص از انضباط حزب توده ایران حتماً اطلاع کافی دارد. در سازمان‌های دیگر ممکن است این پدیده مشاهده شود که این گروه با آن گروه برای خود سیاست جداگانه‌ای در پیش گیرند و به اعمال جداگانه‌ای دست بزنند. ولی حزب توده ایران هرگز در جهت تشدید اختلاف بین رئیس جمهور و مجلس، بین رئیس جمهور و روحانیت مبارز، کام برداشته و بر نمی‌دارد. ما همیشه با صراحت و قاطعیت گفته‌ایم که این اختلافات، تا آنجا که طرفین اختلاف به اصول ستیزی انقلاب یعنی به ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم و درجه اول امپریالیسم آمریکا، به ضرورت مبارزه برای تغییرات بنیادی به سود خلق و در شرایط کنونی به ضرورت تجهیز همه نیروها برای درهم شکستن تجاوز عراق، اعتقاد دارند. باید مسکوت بماند و از تشدید آن جدا جلوگیری شود. این مطلب را ما بارها در نشریات خود اعلام کرده و لزوم مراعات یک آتش‌بس را لاف‌های دوران جنگ، خاطر نشان ساخته‌ایم.

حال که مطلب به اینجا رسید، یک نکته را هم در باره «تئوری» «القاء» ایدئولوژی باید توضیح دهیم. ظاهراً این «تئوری» را غضنفر پور وضع کرده است و این مطلب موجب تعجب ما شد. چون ما تا کنون توانایی وضع چنین «تئوری»‌هایی را در اوسراغ نداشته‌ایم. ولی در یکی از بخش‌های «کارنامه» رئیس جمهور مطلبی دیدیم که به همین «تئوری» مربوط می‌شد و روزنامه مائوئیستی «رنجیر» هم عین آن را با یک تیتیر در دست تحریک‌آمیز نقل کرد. در این بخش از «کارنامه» از جمله چنین آمده بود: «روشی که این‌ها (یعنی حزب توده ایران) برای القاء ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آن‌ها را یک ایدئولوژی که مال خودشان نیست و به اصطلاح غالب است را به خودشان می‌دهند». این یعنی چه؟ یعنی این که حزب توده ایران یک ایدئولوژی را که مال خودشان نیست، مثلاً ایدئولوژی اسلامی را قبول می‌کند و قیافه مسلمان به خود می‌گیرد و بعد می‌رود در خط روحانیت مبارز و آنوقت یک هماهنگی بین کسانی که ایدئولوژی مارکسیستی را طبق دستور «ابرقدرت روس» تبلیغ می‌کنند، یعنی حزب توده ایران و کسانی که رنگ ایدئولوژی غالب بر جامعه را پذیرفته‌اند - یعنی «تازه مسلمان‌های توده‌ای» (بعقول آقای رئیس‌جمهور) یا «توده‌های محکم در لباس روحانیت» به وجود می‌آید.

این «سناریو» که برای ما درست کرده‌اند، البته خیلی جالب است، منتها باید بگوییم که آدرس و آن هم دو آدرس را عوض گرفته‌اند: یکی آدرس روحانیت مبارز که «سناریو» دعوی دارد، توده‌های ما در میان آن‌ها رسوخ کرده‌اند و آن‌ها را می‌گردانند و دیگری آدرس حزب توده ایران. این «سناریو» درست با شیوه‌هایی تطبیق می‌کند که مائوئیست‌های ایرانی در یک مرحله تاریخی یعنی هنگامی که برگردند که آن خنجر تاریخی را از پشت به مجاهدین خلق زدند و بخشی از سازمان مجاهدین خلق را به سازمان مائوئیستی آمریکا ساخته «بیکار» تبدیل کردند. آن‌ها با خود آقای بنی‌صدر هم دارند به همین نحو عمل می‌کنند. چه کسانی ایدئولوژی به اصطلاح مارکسیستی خودشان را رها ساخته و ایدئولوژی غالب را انتخاب کرده‌اند؟ ما می‌توانیم چند «مارکسیست» آمریکا ساخته مائوئیست را نام ببریم که الان دوروبر ایشان و جزو اقرار هستند. البته این‌ها دعوی دارند که از گماهان گذشته بوده‌اند و اسلام آورده‌اند. چه کسانی تئوری «سجده» را پوشاکی و با عنوان بزرگوار آوردند و به نام ایدئولوژی تازه انتخاب شده خود جا زدند؟ پس این وصله «القاء» ایدئولوژی به بیکار حزب ما نمی‌چسبد. و اما برخورد ما به حملات گوناگونی که به حزب توده ایران انجام می‌گیرد، بر - برخورد‌های متفاوتی است. مثلاً برخورد به روزنامه «میزان» برخوردی نیست که مبتنی بر انقلاب داریم. همچنین برخورد ما به لیبرال‌های «میزان» با برخورد ما به مائوئیست‌ها و برخورد ما به این‌ها با برخورد ما به طرفداران آقای بنی‌صدر، متفاوت است. برخوردی هم که ما به تمام این طیف داریم با برخوردی که روزنامه «جمهوری اسلامی» با ما دارد یا سایر گروه‌های اسلامی مثلاً نشریه «سیاه پاسداران» با ما دارند. به هیچ وجه یکی نیست. ما در هر موردی با بررسی دقیق چگونگی هدف‌ها و انگیزه‌ها موضع‌گیری می‌کنیم. ولی یک نکته را به همه مخالفان خود یادآور می‌شویم و آن این که اصحاب ما فوق‌العاده محکم و آهنین است. ما در هیچ موردی از میدان در نخواهیم رفت. صدوسی و دو سال است که هواداران سوسیالیسم علمی آماج اتهامات و ناسزاهایی هستند که این‌ها الان نتار ما می‌کنند. تمام مطبوعات ارتجاع جهانی، از مطبوعات وابسته به امپراتوران و قهرمانی اروپا و ناچاران - آسیا و آفریقا گرفته تا مطبوعات و بورژوازی و تمام دستگاه تبلیغات امپریالیسم، بایدترین و رکیک‌ترین الفاظ و اتهامات به هواداران سوسیالیسم علمی تاخته و می‌تازند. در این زمینه دیگر جای «ابتکار» برای کسی باقی نمانده است و همان الفاظ رکیک قدیمی را هم باید تکرار کنند.

ما متأسفیم از این که سازمان مجاهدین خلق هم به نام یکی از گروه‌های وابسته خودش همین شیوه «تبدیل» را به کار برده است. همان طور که در گذشته، ما هنوز هم می‌خواهیم تردید کنیم که این عمل واقعا با نظر رهبری سازمان مجاهدین خلق انجام گرفته باشد. ولی مثل این که زمان دارد می‌گوید، نه، تردید شما بیجا است و آنها هم با کمال تأسف در همین ورطه افتاده‌اند. امیدواریم که این فقط تصادفی و اتفاقی و ناشی از یک اشتباه جدی باشد و سازمان مجاهدین خلق به این سطح که تا به سبقت مبارزات دوران گذشته آنها نیست، نماند. جریبان نشان خواهد داد که این امید ما به جا بوده یا این که ما در این جا اشتباه کرده‌ایم. و اگر اشتباه کرده باشیم، خیلی متأسف خواهیم شد.

انامه دارد

در جلسه علمی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، نمایندگان مجلس، ضمن نامه‌ای به امام خمینی، تاکید کردند که فرمان اخیر ایشان مبنی بر پیگیری شایبه شکنجه در زندانها، باید در کمال سرعت و دقت پیگیری شود...

جلسه با حضور دکتر بهرامی، وزیر امور خارجه، و سایر مسئولان دولتی برگزار شد. در این جلسه، به بررسی نامه‌های نمایندگان مجلس و پاسخگویی به آنها پرداخته شد.

دکتر بهرامی در این جلسه، ضمن تاکید بر اهمیت موضوع، اظهار داشت که دولت در پی پیگیری جدی این موضوع است و به محض دریافت مدارک معتبر، اقدامات لازم را خواهد انجام داد.

این کار باید با قاطعیت و شجاعت انجام شود. دکتر بهرامی در پایان جلسه، از نمایندگان مجلس تشکر کرد و اعلام کرد که دولت در پی پیگیری جدی این موضوع است.

هدف جمهوری اسلامی ما والا و بالاست. آنهایی که امروز داد آزادی میزنند، مگر قانون اساسی را نمی بینند و به واقعیت قانون اساسی توجه ندارند.

نقدش نامه‌های صبح و عصر

وی افزود: «آنهایی که صبح و عصر لقب نامه-بخت مردم می-دهند و مناجات سیاسی می‌نویسند، آیا آزادی اسلامی این است؟ چرا نمی‌خواهند که آزادی انسانی برای ما مطرح باشد... اینها با این چیزها می‌خواهند چیز دیگری را بپوشانند...»

نطق سپس به‌وضع سینماها و تئاترهای کشور اشاره کرد و خواستار ارتقاء سطح فیلمها و دعوت هنرمندان مسئول به کار شد.

دروغی نباید از شخصی تصدیق نمود که کارش را به حق می‌داند و بیایند از پایان خواستار رسیدگی به وضع متقاضیان خدمات ۵۶ شد.

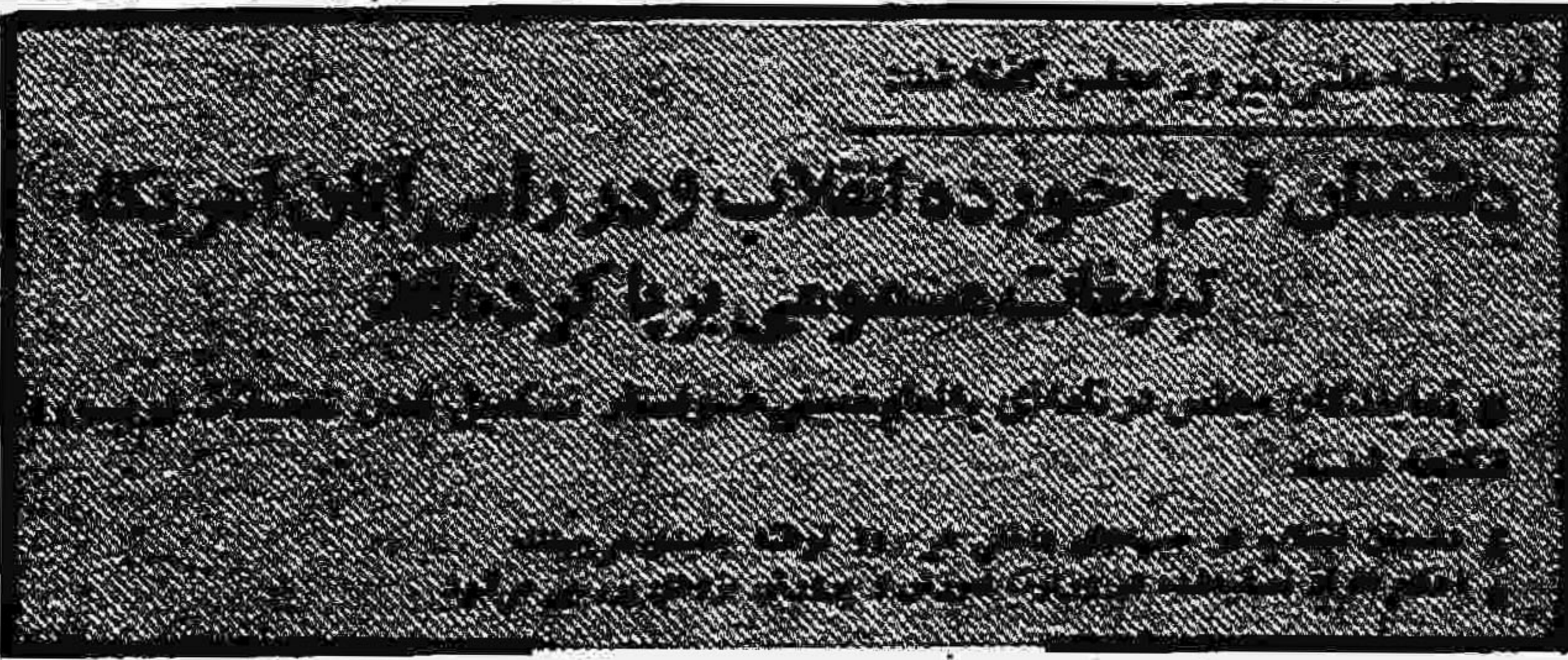
ایوانقل رفوی اردکانی سومین نطق پیش از دستور بود و سخنان خود را با درود به رزمندگان دلاور ایرانی در جبهه‌های جنگ شروع کرد و سپس گفت:

«اتحاد ما امروز یکی از حلیه‌های بره‌های خود را می‌گذرانیم... تنها جرم ملت ما این است که می‌گویند ما مستلزم و بیکی استقلال هستیم، ملت ما تاکنون از تمام فرائض و تشبیه‌ها سرفراز بیرون آمده است.»

پاسر مایه‌داران مهلت نهدید

اتکاء مجلس وارد دستور شد و آخرین بند طرح دیوان محاسبات مطرح گردید. پس از اتمام تصویب‌بندی این طرح، یک لایحه دوفوریتی در ارتباط با حفاظت و توسعه صنایع ایران مطرح گردید، که به تقاضای عمدی از نمایندگان، از آن سلب فوریت شد.

مسئولان عالی در توضیح این خواسته، از جمله گفت: «توسعه صنایع، به مسئله صنایع و معادن برخورد درستی نهد است، حالا این بهر دلیل بوده در احوال انقلاب ۸ میلیارد تومان اعتبار به صنایع اختصاص دادند است، که این صنایع که در دوران انقلاب، که مانده است، بکار گرفته



دکتر بهرامی در جلسه علمی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، نمایندگان مجلس، ضمن نامه‌ای به امام خمینی، تاکید کردند که فرمان اخیر ایشان مبنی بر پیگیری شایبه شکنجه در زندانها، باید در کمال سرعت و دقت پیگیری شود...

شاید مقداری از این بودجه جذب شده و مقداری هم به خارج رفته و بعد آمده‌اند صنایع را تقسیم‌بندی کردند. یک نشانه از صنایع کلا صنایع شده، مقداری صنایع صادراتی هستند، اما از تعداد دادند به صنایع داخلی یا صنایع داخلی خود را برده‌اند.

ناطق کسب نتیجه‌گیری کرد: «ما حرفمان این است که اصلاح کل این کشورخانه باید به حاشیان رسیدگی شود و بسیاری از این کارخانه‌ها هستند که طبق اصل ۴۹ قانون اساسی باید همه آنها به نفع ملت صادره بشوند، نه اینکه بیایند و دوباره ملت را تهدید کنند. کسرها به‌دوران پهلوی، دوباره یک صحنه پیداکند و یک پولی بگیرند و از کشور خارج کنند.»

پس از سخنان دکتر هاشمی، سراسر رای اکثریت نمایندگان، از این لایحه سلب فوریت شد.

اتکاء گزارش کمیسیون دفاع مینور رد طرح عمدی از نمایندگان درباره تأمین نیازمندیهای متقاضیان خدمات ۵۶ و خانواده آنها قرائت شد. کمیسیون دفاع دلیل آورده است که افراد شاغل در ادارات، در طول خدمت از حقوق خود برخوردارند، دموورر بینه نیز آن‌ها حقوقی معادل حقوق افسران، درجه‌داران و... دریافت می‌کنند.

نامه نمایندگان به امام خمینی

مجلس رئیس مجلس اعلام کرد که ۱۱۰ نفر از نمایندگان نامه‌ای به امام خمینی نوشته‌اند. یکی از نمایندگان این نامه را قرائت کرد. در این نامه خطاب به امام خمینی آمده است:

«ما قاطع شمایم مبنی بر قضاوت شکیبایان احتمالی، روحی دیگر در کالبد ناآرامان نمید و بردیگر این معنا را دریغوار، که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، ای امام بزرگوار، دشمنان خودخواه انقلاب اسلامی ایران و درامس آنان شیطان بزرگ، که از ابتدای پیروزی انقلاب در پی مخدوش‌ساختن چهره زلال اسلام بودند، این بار با توطئه‌ای حساب شده توانی از تبلیغات مسموم و تحت لوای دفاع از اصالت و اسلام برآوردند و جمله «دزدان‌شکنجه» می‌شوند و با دهن قلمی مرتجعین داخلی و خارجی انداختند. غافل از اینکه رهبر همیشه یبار و هشیار این بهشت اسلامی هر بار که توطئه‌ای را بیاید به میدان خواهد آمد و راه هرگونه لیرنگ و فریب را بر آنان خواهد بست. امام ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که خود را نظر بر اجرای کامل قانون اساسی و مسئول پاسداری از حریم اصالت می‌دانیم، ضمن سلیس از آن رهبر و فرمانده عظیم‌الشان خواستهای خود را با هیاتی که پذیرای این مسئولیت سنگین خواهد شد در میان می‌گذاریم:

- ۱- روحی سرفراز افراد با ارگان‌هایی که به چنین اعمال زشتی نسبت بفرموده باشند، شناسایی و در اختیار محاکم صالحه قرار دهد تا به فرمان امام قضاوت شود.
۲- اسامی و مشخصات فرد یا افرادی را که احتمالاً شکنجه شده‌اند، با ذکر محل شکنجه در اختیار عموم قرار دهد.

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که این نامه به امضاء مجلس فرستاده خواهد شد.

اتکاء سخنان چندین از نمایندگان از وزارت آموزش و پرورش مطرح شد، این سخنانها در ارتباط با تعطیل مدارس لرستان، پاکسازی و... بود.

دکتر جواد باهنر، وزیر آموزش و پرورش، در پاسخ گفت: «دکتر سخنانی مبنی بر تعطیل مدارس را ارائه کردیم، اینها را خواندند ولی ما چاره تم را هم ارائه دادیم، این دنیا کار طاقتیانی بود چیزی که هم است، هدف ما این است که اینها را به مسائل امور تربیتی اشاره کرده، ما باید بپذیریم که انقلاب ارزش‌های جدیدی بوجود آورده و نسل جوان انقلابی را وارد صحنه کرده، ما باید از این نسل استفاده کنیم.»

دکتر باهنر سپس به ورود افراد بی‌سلاحیت به آموزش و پرورش اشاره و تاکید کرد که این موضوع به کمی فرست برمی‌گردد، و علاوه بر این، بی‌سلاحیت اینان بی‌سلاحیت «معلمان وابسته تفاوت می‌کند.»

دکتر باهنر در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت:

«مردود تعطیل مدارس لرستان و خرم‌آباد باید بگویم که آنچه که در آنجا انجام شد، صد درصد تأیید نمی‌کنیم، ولی در آنجا مشکلاتی وجود دارد... در حال حاضر مدارس تعطیل شده‌اند، از این منطقه هم فعلاً در اختیار مهاجرین جنگ زده است، ولی بهر حال ما در حال بررسی این کار هستیم.»

لایحه پاکسازی بزودی بمجلس تقدیم می‌شود

وزیر آموزش و پرورش دموورر تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش گفت:

«صد درصد وقت کار روزانه ما صرفی مسئله پاکسازی می‌شود. داستان از این قرار است که وزارت آموزش و پرورش پرسنل وسیع، حدود ۵۰۰ هزار نفر، دارد. مهلت تعیین شده توسط شورای انقلاب برای پاکسازی برای آموزش و پرورش کافی نبود. کارهای مختلف به گروه‌های پاکسازی غیرمستول کفی بود. کارهای مختلف به گروه‌های پاکسازی غیرمستول کفی بود. کارهای مختلف به گروه‌های پاکسازی غیرمستول کفی بود.»

در نتیجه گروه‌های پاکسازی نظریات مختلفی مردانده مسئله

نقشه است. دیک کارشناس نظامی فریب است.

پار دیگر می‌برسیم:

ملت اینکه جبرا خیرگزاری آمریالیستی فرانسه، خیر بالا را مغایره کرده، کلا برون است. ملت اینکه جبرا روزنامه هیزمانه آن را باقیتر ۸۴ در صحنه اول ارائه کرده، تا حتی رهگذران هم که این روزنامه را نمی‌خوانند و تنها تیش اول را می‌بینند و یا می‌خوانند و به متن خبر دقت نمی‌کنند، ددمعرض فریب آمریالیسم خیری قرار بگیرند، تیز روشن است.

اما، ما بار دیگر از مسلمانان انقلابی و روزنامه‌های طرفدار انقلاب می‌برسیم:

«ایاچه کسی از تبلیغ گسترده خیر جعلی بالا سود میبرد جن آمریالیست جنایتکار آمریکای جدید است روزنامه‌نگاران که در متن خیر بالا وجود دارد.»

«ما چالپتی اینکه، خیربندی هم که منبع آن «اعضای اتحادیه» کارگری مستقل هستند، حاکمیت از تصور نیروهای روسیه در نزدیکی تیر روسیه در جنوب لپستان دارد، چندمسطر پاتینتر، توسط ستاد فدراسیون هیستکی کارگران در گدانسه تأسیس شده است.»

«ما بار دیگر از روزنامه‌نویسان طرفدار انقلاب می‌خواهیم که در ماه‌های گذشته، کارهای آمریالیستی بکنند.»

در خیره، که سخنان او تکذیب

در خیره، که سخنان او تکذیب

در خیره، که سخنان او تکذیب

دیگری که پیش آمد این بود که گروه‌های پاکسازی به مدت کمبود وقت مجبور شدند سرها پرونده‌ها را بخوانند. ترتیبه آموزش و پرورش عمدی را ارائه دادند و وقت نگه نگارهای پاکسازی جوانان دقیقاً نظر بدند و اقامت به خانه نگارهای پاکسازی و افراد بسیار فاسدی بودند که مردم نمی‌توانستند آنها را متصل کنند. البته در کنار اینها آدم‌های برگانه هم بودند که شامل این موضوع شدند. در حال حاضر ۱۷ هزار نفر به مشکل مختلف پاکسازی و آمده به خدمت شده‌اند، بعضی‌ها هم به آموزش و پرورش بطور کلی منحل شده است. در نتیجه دموورر اعتراض دارند، یک گروه به عدم تصفیه اعتراض دارند و یک گروه هم به تصفیه‌های غیرقانونی و بی‌سابقه اعتراض دارند.

در حال حاضر ما لایحه پاکسازی داریم و آنچه که ما امروز مواجهیم این است که لایحه داریم، به جهت احکام پاکسازی و مراجع هم داریم، اما ما فکر کردیم که احکام صادر شده قانونی یا غیرقانونی، درست یا نادرست را فعلاً متوقف می‌کنیم و شروع به تهیه لایحه منصل پاکسازی کردیم.

این لایحه بزودی برای عرضه به مجلس آماده می‌شود. همچنین اعلام کردیم که هر که اعتراض دارد، اعتراض خود را بنده، بعد براساس لایحه نحوه به مجلس مجدداً احکام این امران بررسی می‌شود و اگر ثابت شد که کسی در آموزش طلبنده، جبران می‌کند.»

دکتر باهنر سپس افزود: «کسانی هم که اخراج شده‌اند و حق آنان است براساس نحوه شورای انقلاب، به آنها تا یافتن کار دیگر، مقرری پرداخت می‌شود.»

وزیر آموزش و پرورش اتکاء به سخنان دیگری در مورد تصفیه معلمین تا کستان جواب داد و گفت:

«ما قبلاً هم اعلام کردیم که اینگونه اعمال فعلاً متوقف است.»

دکتر باهنر سپس به مسئله نقش دانش‌آموزان در مدارس پرداخت و تاکید کرد که دانش‌آموزان از انقلاب خود دفاع خواهند کرد، او در پایان گفت:

«ما تصفیه داریم یک کاری در آموزش و پرورش انجام می‌دهیم و برای تصفیه کتب و برنامه و تأسیس معلمان این محیط توسعه مدارس در سراسر کشور، برای پاکسازی این محیط‌ها، برای برقراری در جهت فرهنگ اسلامی و انقلابی، طرح‌هایی داریم. از شما می‌خواهم به تشریح تصویب این طرح‌ها کمک کنید.»

پس از پایان سخنان وزیر آموزش و پرورش، دموورر یکی از نمایندگان سؤال کردند، مجدداً به تعطیل مدارس لرستان اعتراض کرد. او ضمن تأیید پاکسازی گفت، افرادی که اگر انقلاب پیروزی نمی‌رسید، اعدام می‌شدند، حالا تصفیه شده‌اند.

در اینجا جلسه مجلس به پایان رسید و رئیس مجلس اعلام کرد که جلسه روز یکشنبه آینده رسمی ولی بطور غیررسمی برگزار خواهد شد.

در حاشیه

نقشه مشترک

هنگامی که یکی از نمایندگان در نطق قبل از دستور به اختلافها و تفرقه افکنی حائشانه کرد، شجونی نماینده کرج گفت: «نقشه مشترک برای ستودن، آتش»

حلقی بند تصویب شده!

پس از آنکه بند ۶ طرح دیوان محاسبات به تصویب رسید، آقای رحیمی، که ظاهراً متوجه این تصفیه نشده بود، تقاضای حذف این ماده را کرد. این موضوع به مدت صیانتت رئیس مجلس شد و او گفت: «آقا، این بند همین الان تصویب شده!» و آقای رحیمی پاسخ داد: «آقا، آنکه اول صبح حالتون خوب نیست، بکن!» و این باختنامه، منجمله رئیس مجلس روپور شد.

نیروهای انقلاب...

در یک عملیات چریکی در جبهه ریجاب که از حمایت آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران برخوردار بود، رزمندگان جمهوری اسلامی چند خودروی دشمن را در حین جابجایی نابود کردند. در این عملیات ۳۰ نفر از نیروهای دشمن کشته شدند.

در جبهه‌های جنوب

به گزارش خیرگزاری فارس از جبهه‌های جنگ شدید با ارتش توپخانه بین مدافعان انقلاب اسلامی و مزدوران صدام جریان داشت. بنا به همین گزارش تیرد تا عصر حائزوز یا برتری آتش نیروهای انقلاب ادامه داشت.

خبرنگار خیرگزاری فارس در گزارشی از خط مقدم جبهه در شرق خویین شهر گزارش داد: رزمندگان جان بر کف تیروری دریاها از ۲ روز پیش (روز شنبه) یکشنبه تا کون (روز شنبه) در نبرد شدیدی که بسا آتش

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

باز هم یک خبر «صد در صد موثق» از امپریالیسم خبری!

ارتش شوروی وارد لهستان شد

خبرگزاری فارس بمثل از امپریالیسم خبری، که در این باره به اطلاع رسانان رسانده است، می‌گوید: «ارتش شوروی وارد لهستان شد.» این خبر، که در روزنامه‌های غربی و شرقی، به عنوان یک خبر موثق و معتبر، به اطلاع رسانان رسانده شده است، در واقع یک خبر کذب و دروغ است. ارتش شوروی هیچ‌گاه وارد لهستان نشده است.

این اطلاعات را داده باشد، خیر حاکمیت از یک واقعه معمولی - از پایان جنگ دوم جهانی - طرف می‌کند و آن عبارت است از توهین ناپستی سربازان شوروی، که بر اساس قرارداد یوتسده، در جمهوری دموکراتیک آلمان پس تصدیق این توهین خبری به ملت می‌کنند. این توهین به بلوا در لهستان و سواست، دمی که امپریالیسم از این حوادث می‌کشد، بلافاصله آنرا به‌دورود ارتش شوروی به لهستان، تغییر داده و به جهان مغایره کرده است.

اما اصل قضیه این نیست که امپریالیسم خبری صیوره را «اشغال» نامیده و سربازان آن به تبلیغات پرداخته، حقیقت امر این است که نیروهای شوروی

۲- منبع خبر، همان منابع همیشگی امپریالیسم خبری است: «منابع مطلع»، «منابع موثق» و «دیک کارشناس نظامی خبری» و «اعضای اتحادیه‌های کارگری»...

۳- امپریالیسم خبری که در برندها و شکردهای خیرسازی موثق است، ابتدا از قول منابع است. اما می‌کند که در اول حزب کمونیست لهستان، به رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران این کشور اطلاعاتی مبنی بر حضور چهار لشکر روسی از جنوب لهستان، داده و افزوده است: «لشکرهای روسی برای رفتن به آلمان شرقی و چایگز تیروری سربازان مستقر در آنجا وارد لهستان شده‌اند»

باین ترتیب بفرش که دبیر اول حزب کمونیست لهستان، هم

ملاطهای سبک و سنگین جریان داشت. خسارت و تلفاتی بسا مزدوران فریب‌خورده صدام وارد کردند. در این عملیات دلاوران ما یک سنگر تیربار دشمن بسا نفراست، ۳ محل خمپاره‌انداز در تیربارها، اماراس، یک موشوع با اماراس و ۴ اسلحه دشمن را با اماراس از میان برداشته و در این منطقه منهدم کردند. یک انبار مهمات را منهدم‌ساختند که تا ساعتی در آتش می‌سوخت. در جریان این نبرد ۳ تن از رزمندگان مجروح شدند. بر پایه همین گزارش روز گذشته (سب شنبه) دشمن آبدان هدف خمپاره‌های دشمن بود که در اثر آن ۵ تن شهید و ۵۰ نفر مجروح شدند.

به گزارش خیرگزاری فارس از آبدان:

خبر رادیو عراق دایر بسا شباهت مشهور عالی اهل عراق و همچنین دستگیری دود رهنا اهل ساوه کذب منض است و نامبرندگان هم‌اکنون در جبهه آبدان حضور داشته و در حال نبرد با مزدوران صدام هستند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

### امام خمینی میگوید:

## « همه گرفتاریهای ما از امریکاست »

لیبرالها میگویند:

### « همه گرفتاریهای ما از گروگانگیری است! »

در تاریخ ۲۱ آبانماه ۵۹، روزنامه معتبر تحریر، چاپ سوریه، سندی از اسناد پست آمده از لانه جاسوسی امریکا را منتشر ساخته که متأسفانه علیرغم آنکه خبرگزاری پارس این سند بسیار مهم را منتشر کرد و ضمن آن در دسترس کلیه جراید قرار گرفت - جز برخی از آنها، از مضمون سند خبری منتشر نگردید و سپس نیز کسی در پی تحلیل این سند مهم بر نیامد و موضوع به فراموشی سپرده شد.

لیبرالها گفتند: نتیجه گروگان گیری امریکا و متحدانش ایران را «تحلیل» کردند که: «آچان، گروگانها!»

آمریکا و صالت در کردستان و آذربایجان بلوا برانداختند. لیبرالها اظهار داشتند: «گروگانها، گروگانها!»

آمریکا، به خاک ایران تجاوز نظامی کرد. آنها سری تکان دادند و اظهار لجاجه فرمودند که: «گروگانهای امریکا کرده است.»

آمریکا درصدد کودتای نظامی برآمد و نقشه قتلعام ده میلیون نفر از مردم ایران، پس از شکست نوشته فاش شد. لیبرالها گفتند: «ایران با گروگانگیری، خود را گروگان امریکا کرده است.»

آمریکا زنجیر سدام را رها کرد و او را بیان انقلاب ایران انداخت. آنها سری تکان دادند و از روی دلسوزی توصیه کردند: «ما که گفتیم، گروگانها را رها کنید.»

اسلامی آیتالله خمینی، از همان برنامه های بررسی شده قبل، یعنی تحریک سران عثمانی، برانگیختن احساسات ملیولایتی و قبیله ای کمک کردن به هر نوع جنبشی و یا سازمان سیاسی چه و راست در داخل ایران و مهمتر از همه شعله ور کردن آتش اختلاف و جنگ میان ایران و کشورهای همسایه ایران که اختلافات مرزی دارفد استفاده شود که البته در داخل قاعده خودی زمینه های آتش و ناامنی در پاره های از مناطق ایران فراهم شده است و اگر سایر برنامه ها همزمان با جنگهای داخلی، موفقت آمیز از آب در نیفتد، نیز همانا جنگ راه افتادن بین ایران و کشورهای همسایه ایران است. باقی نخواهد ماند ولی اگر با شکست مواجه بشوند، چاره ای جز اجرای برنامه اخیر طبق تصمیمات اتخاذ شده نخواهد بود.

دینشان، درست برخلاف ادعای لیبرالها، تمام توطئه ها را که لیبرالها آنها را تسبیح و گروگانگیری اعلام می کنند، ماهها قبل از «گروگانگیری» فرورسی شده و در داخل اجرا بوده است.

هر چه مردم بگویند این آقایان خوانند که آخر مگر دکتر مصدق آنگونه سوگاری، «گروگانگیری» کرده بودند که امریکاسرگوشان کرد بیایان را در پی گرفتار کردن که: «خیر! همه بدبختیهای ما از گروگانهاست!»

اما در سند منتشر شده توسط تحریر، که تاریخ نگارش آن تیرماه ۵۹، یعنی ۲ ماه قبل از فتح لانه جاسوسی امریکا است، آمده است: «باید برای نابود کردن انقلاب

قطعه نامه گردهمایی... یقه از صند ۱

از بیاتیه کنفرانس بین المللی همبستگی با فلسطین: روابط اعراب با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه باید تحکیم و گسترش یابد.

### آیتالله دکتر بهشتی:

## ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

بانقارت مستمر، از خروج بی رویه ارز از ایران جلوگیری می شود. همه کسانی که بتوانند صادرات و صمیمانه برای حل مسائل کوشش داشته باشند، هر جا بروند مورد استقبال قرار خواهند گرفت.

آیتالله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در مساجه مطبوعاتی هفتگی خودبه سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد.

دکتر بهشتی در مورد خواست مردم اسفهان برای اخراج نمایندگان از مجلس و قبیل و اجراء بودن آن نظر حقوقی گفت: «به من هم مراجعه کردند و در این زمینه سوال کردند. پاسخ اینست که: این مطلب در قانون اساسی پیش بینی شده و در قانون انتخابات... بهر حال در این زمینه باید مجلس شورای اسلامی تصمیم بگیرد و آنهم در شکل قانونی.»

آیتالله دکتر بهشتی در جواب دیگری در زمینه یازده یا نود و هشتاد و استثنای حجت الاسلام خلغالی تاکید کرد که این مبارزه صورت قطع ادامه خواهد یافت. خبرنگاری سوال کرد: خط ارتباط با غرب تلاش می کند تا این شبهه را ایجاد کند که دولت کنونی صلاحیت اداره این صکلت را ندارد و لذا باید جای خود را به دولتی بدهد که طرفدار غرب

باشد این حرکت را چگونه ارزیابی می کنید؟

دکتر بهشتی در پاسخ ضمن تاکید بر اینکه مشکلات انقلاب نمی تواند در مرض یکماه، یا یکسال حل شود، درباره دولت گفت: «دولت مهم است به مردم خدمت کند، از نظرات همه صاحب نظران با ایمان مورد استفاده مردم استفاده می کند و استقبال می کند از هر کسی که بتواند کمکش را در راه مبارزه برای استقلال و آزادی ملت ایران بکند.»

دکتر بهشتی در جواب دیگری در زمینه یازده یا نود و هشتاد و استثنای حجت الاسلام خلغالی تاکید کرد که این مبارزه صورت قطع ادامه خواهد یافت.

لیات و برنامه ریزی و مشخص بودن مسئولها و مسئولیتهای هر چه زودتر مشکلات را حل کند. این خواست دشمن است، ملت ما هرگز به تحقق یافتن این خواست شوم دشمن تن در نخواهد داد و همچنان از دولت متعصب مجلس حمایت خواهد کرد و با آن همکاری کند تا دولت بر مشکلات لاق آید.

خبرنگاری سوال کرد: «دعا بیا توجه به اینکه مقامات جمهوری بوسیله کسانی که دارای کارت بازرگانی هستند، از کشور خارج می شود و بطور مسلم به سرد مردم ایران تمام می شود چه اقداماتی در خصوص ملی کردن راه تجارت خارجی انجام می گیرید؟»

آیتالله بهشتی پاسخ داد: «صدای از افراد علاقمند که به ملی کردن راه ملی گسترش بازرگانی وارد هستند در کار تجارت خارجی هستند این کار دنبال خواهد شد. بطور معمول و با رعایت امکانات، خبرنامه که صدای از افراد جدی مسئولیت شش در این راه مسئول تیه

تولید برزق و خام اندر ا گاندی به ضرورت مقابله با دشمنان صلح اشاره کردند که تلاش می کنند به جریان تسبیح زدن، خلل برسانند و تعادل موجود نیروی نظامی را بسود خود تغییر بدهند. تولید برزق هنگام بحث درباره اوضاع خاور نزدیک گفت: «برخی ها سعی دارند به درگیری میان عراق و ایران جنبه چلی تر ببندند. منظور از این کاتشها تصفیه هر دو کشور است تا از این راه مواضع نیروهای خارجی، که پس از سقوط رژیم شاه در ایران از دست رفت است، بازمانده شود.»

تولید برزق افزود: «اتحاد شوروی در راه حل هر چه زودتر اختلاف از طریق صلح و علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات اقدام می کند.»

تولید برزق اضافه کرد: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام می دهیم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهاد دولت افغانستان کمک کنیم.»

تولید برزق اضافه کرد: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام می دهیم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهاد دولت افغانستان کمک کنیم.»

### لئونید برزق در جریان مذاکرات با ایندیرا گاندی گفت:

## اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام می کند

اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اطمینان کمک همه جانبه به هند اعلام داشت. خانم گاندی اهمیت دوستی با اتحاد شوروی را برائ استقلال و حاکمیت هند مورد تاکید قرار داد. رهبران اتحاد شوروی و هند توجه افکار عمومی را به روند های شدن اوضاع در افغانستان جلب کردند.

و غیر متحد اعلام میدهند. رهبران دو کشور در طول مذاکرات، به سطح بالای روابط دو جانبه، که بر اساس مباحثه صلح و همکاری و دوستی استوار است، اشاره کردند.

خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر هند به ماحیت متقابل سودمند مباحثه های گسترده اقتصادی دو کشور اشاره کرد و بویژه اهمیت این همکاری را برای گسترش و توسعه اقتصاد هند مورد تاکید قرار داد.

لئونید برزق به رهبران هند اطمینان داد که اتحاد شوروی هر چه در توان دارد برای توسعه دوستی و همکاری نزدیک با هند و گسترش تمام متقابل انجام خواهد داد.

در مذاکرات رهبران دو کشور چشم اندازهای گسترده همکاری متقابل سودمند در زمینه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اطمینان کمک همه جانبه هند برای گسترش و توسعه جامعه و منابع نفتی هند و کمک به بالابردن سطح تولید نیروگاههای این کشور اعلام کرد.

دو کشور به متابه با نزدیکی نظریات اتحاد شوروی و هند درباره مسائل صده جهانی اشاره کردند و توجه را به اوضاع آسیای جنوب شرقی جلب نمودند.

در اجتمع باتشکوهی که از سوی انجمن دوستی اتحاد شوروی و هند برپا شده بود، لئونید برزق در سخنانی، ضمن تاکید بر اهمیت دوستی هند و اتحاد شوروی، گفت: «اتحاد شوروی، هند را به اوضاع آسیای جنوب شرقی ترویج دقتی هند کاتش خواهد کرد.»

برزق تاکید کرد که دوستی هند و اتحاد شوروی علیه هیچ کشوری نیست. خانم گاندی در این اجتمع ماحیت بر شتابه دوستی دو کشور و اهمیت این دوستی را برای استقلال و حاکمیت هند مورد تاکید قرار داد.

دیدار رسمی سه روزه لئونید برزق، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدراعظم اتحاد شوروی از هند پایان یافت. رهبران اتحاد شوروی و هند تسدید فعالیت نظامی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس را محکوم کردند و خواهان برچیدن شدن پایگاهها از منطقه و تبدیل آن به منطقه صلح شدند. دو کشور از تسبیح اوضاع در خاورمیانه ابراز نگرانی کردند و یادآور شدند محافل تجارزگر اسرائیل را به تجاوز علیه اعراب و بویژه خلق فلسطین متویق می کنند.

لئونید برزق و خانم ایندیرا گاندی به ضرورت مقابله با دشمنان صلح اشاره کردند که تلاش می کنند به جریان تسبیح زدن، خلل برسانند و تعادل موجود نیروی نظامی را بسود خود تغییر بدهند. تولید برزق هنگام بحث درباره اوضاع خاور نزدیک گفت: «برخی ها سعی دارند به درگیری میان عراق و ایران جنبه چلی تر ببندند. منظور از این کاتشها تصفیه هر دو کشور است تا از این راه مواضع نیروهای خارجی، که پس از سقوط رژیم شاه در ایران از دست رفت است، بازمانده شود.»

تولید برزق افزود: «اتحاد شوروی در راه حل هر چه زودتر اختلاف از طریق صلح و علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات اقدام می کند.»

رهبران اتحاد شوروی و هند توجه افکار عمومی را به روند عادی شدن اوضاع در افغانستان جلب کردند. لئونید برزق گفت: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام می دهیم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهاد دولت افغانستان کمک کنیم.»

تولید برزق اضافه کرد: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام می دهیم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهاد دولت افغانستان کمک کنیم.»

تولید برزق اضافه کرد: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام می دهیم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهاد دولت افغانستان کمک کنیم.»

تولید برزق اضافه کرد: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام می دهیم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهاد دولت افغانستان کمک کنیم.»

خانم حبیبه الله، ضمن اشاره به نقش اتحاد شوروی در تحکیم صلح و امنیت جهانی گفت: «مردم شوروی از حکومت قانونی افغانستان، در زمانی که این کشور با آزمون دشوار روبرو شده بود، حمایت کرده و کاتشهای محظرف که میخواهند مسیر رویدادها را در افغانستان تغییر دهند، بانسکت روبرو شده است. همانطور که توت قدرتهای امریکایی برای خنثی کردن اتحاد شوروی در زمان خود با تاکامی روبرو شده، روزنامه «پاریوت» نوشت: دیدار برزق در حال انجام شد که اوضاع در جهان وخیم شده و محافل امریکایی و اروپایی و برتری طلب کاتش دارند روند تسبیح زدن را تا ناپدید سازند.»

مردم هند و محافل اجتماعی ترقیخواه منطقه آسیای جنوب شرقی و شبه قاره هند، دیدار لئونید برزق را از هند دارای اهمیت اساسی ارزیابی کردند. مردم هند و محافل ترقیخواه این کشور دیدار لئونید برزق را از هند کامیابی در گسترش روابط دو کشور می دانند. خانم حبیبه الله، عضو پارلمان هند از حزب ملی کنکره هند و یکی از زنان مبارز مسلمان کشور گفت: «مردم هند از لئونید برزق و همراهان وی مانند برادران خود استقبال کردند.»

### برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

**نامه مردم**  
آرگان مرکزی حزب توده ایران

مدرسه امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
شعبان ۱۶ آذر شماره ۱۸ (دوره هفتم، شماره ۲۴۲)  
هفت روزگی در اختیار نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**  
No. 392  
11 December 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

مستوفق بهشتی  
۴۱/۳۵۰۱، منطقه  
۱۴ پستی تهران



### معاون سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقای سری لانکا:

## دیدار برزق از هند سهم بزرگی در تأمین صلح در آسیا خواهد داشت

مردم هند و محافل اجتماعی ترقیخواه منطقه آسیای جنوب شرقی و شبه قاره هند، دیدار لئونید برزق را از هند دارای اهمیت اساسی ارزیابی کردند. مردم هند و محافل ترقیخواه این کشور دیدار لئونید برزق را از هند کامیابی در گسترش روابط دو کشور می دانند. خانم حبیبه الله، عضو پارلمان هند از حزب ملی کنکره هند و یکی از زنان مبارز مسلمان کشور گفت: «مردم هند از لئونید برزق و همراهان وی مانند برادران خود استقبال کردند.»